

## صبر

گویند صبر کن که ترا صبر بر دهد / آری دهد ولیک به عمر دگر دهد  
من عمر خویش را به صبوری گذاشتم / عمری دگر ببااید تا صبر بر دهد

افغان مینی مارکیت عرضه کننده  
انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازه افغانی  
در منطقه واشنگتن بزرگ  
که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd. Springfield, VA  
22150  
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

## تاریخچه طبابت در افغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب توأم دارد، و کتاب تازه با عنوان «ابن سینا» اثر داکتر غلام محمد دستگیر تازه چاپ شده، علاقمندان و دوستان کتاب غرض خرید کتابها به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.

اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۰۶۰

امریکا به ایمیل ادرس

dastageer2008@hotmail.com

لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۷۴



شادروان استاد عبدالسلام لوگری



شادروان قوماندان نورالدین نوری



شادروان داکتر محمد حسین یمین

## جامعه علمی و فرهنگی افغانستانی هادرمهه فبروری سال ۲۰۲۲ میلادی به خاطر مرگ این سه فرهیخته مرد سوکوار شد

بیشتر پیدا کرده است، فلذا در توازن قوا بین غرب و آسیا تغییر دیده میشود که در چند دهه آینده واضحت خواهد شد.

درین صحنه سوم که هنوز نام مشخص ندارد، امریکا از یکطرف با جمهوریت چین در رقابتهای همه جانبه درگیر است، تلاش دارد تا در ولایت مسلمان نشین چین ناآرامی خلق کند و از طرف دیگر با روسیه فدرال، وارث اتحاد شوروی و قدرت اتمیک قابل محاسبه در تقابل قرار دارد. روسیه کوشش دارد تا نفوذش را در اوکراین دوباره اعاده سازد اما امریکا مانعت کرده و در ضمن سعی دارد تا کشورهای را که روسها در آن نفوذ و مفاد دارد، از مجرای کشورها مختل سازد. بانوشتن این سطور در قزاقستان ناآرامی های ضد رژیم طرفدار ماسکو خیر داده شده است.

این چنین مقابله شرق و غرب با ابعاد گسترده تر در حال تکامل میباشد. امریکا در تلاش است تا دوستان ستراتژیک جدید بر علاوه کشورهای اروپا دریافت نماید از جمله جمهوریت هند که با چین، بر علاوه رقابتهای اقتصادی، در سرحدات مشترک مشکلات دارد. درین صورت امریکا و هند میتوانند متحدین ستراتژیک گردند. اما موقف روسیه درین فاز بیشتر قابل بحث است.

اگرچه روسیه و امریکا بر سر بعضی مسائل باهم منازعه دارند، اما درین زمان روسیه و جهان غرب گذشته تاریخی، منشأ مشترک دینی، قرابت نژادی، فرهنگی و دریک حوزه تمدنی قرار دارند. فلذا اگر رقابتهای جهان غرب و چین کمونیست شدت اختیار کند و ابعاد فرهنگی و نژادی نیز به آن افزوده گردند در آن صورت احتمال دار روسیه و امریکا باهم کنار آیند و مثل زمان جنگ عمومی دوم باهم دوستهای ستراتژیک شوند، خصوصاً که چین و روسیه چندان گذشته دوستانه نداشته اند.

چنانچه چین در سنوات شصت قرن گذشته اختلافات سرحدی را با شوروی سرداده بود و رهبر چین کمونیست، ماوتسه دونگ، در مجلس خصوصی از استرداد ساحات شمالی کشورش که SIBERIA باشد، سخن میگفت. چین فردا که خیلی قوی خواهد بود، ضرورت به مواد خام بیشتر و ارزانتر خواهد داشت که سایبریا مهیا کرده میتواند. در چنین یک احتمال لغزش روسیه در آینده دور یانزدیک به سوی امریکا تصور شده میتواند.

درین گپ و گرفتارها به سویه جهانی، افغانستان باز و بهمان معضلات دست و گریبان است که در قرن زده و بیست بود. اما این بار بر علاوه طاقتهای بزرگ، همسایه های دربه دیوار ما ایران و پاکستان هم درباره آینده کشور ما گفتنی ها دارند و قضیه صلح کشور ما را پیچیده تر ساخته است.

پاکستان از روز ایجاد و تاسیس در جستجوی تسلط بر کشور ما تحت شعار «اسلامستان» است و خواهان نفوذ (صفحه ۸)

آنچه به روزهای تاریخی وطن معلق میگردد تا امروز هیچکدام مقام رسمی دولتی مسئول از آن روزهای پرافتخار تاریخ ملی مایاد آوری نکرده است. باز تکرار میشود که باید چنین روزهای پرافتخار مردم ماتکریم و تجلیل شوند.

زور آزمایی های دوم بین شرق و غرب که به «جنگ سرد» معروف است، در سالهای بعد از ختم جنگ دوم جهانی بین امریکا و اتحاد شوروی که کشور ما میدان آن بود صورت گرفت و بدین قرار است. متعاقب جنگ دوم، دو کشور در نیم قاره به نامهای هندوستان و پاکستان ایجاد شدند. چندی بعد پاکستان تجزیه و کشور بنگله دیش با مساعی جمهوریت هند و شوروی تاسیس شد و متعاقب آن در سال ۱۹۷۳ داؤود خان باجمعی از صاحب منصبان اردو و همکاری روسها کودتا کرده رژیم شاهی را ساقط ساخته و جمهوریت اعلان کرد. چندی بعد داؤود خان با روسها اختلاف نظر پیدا کرد که نتیجتاً یکجا با خانواده اش کشته شده و کمونیستهای وطنی جاگزین شدند که سرانجام منجر به لشکر کشی روسها به افغانستان شد تا بالاخره به همت بینظیر مجاهدین افغان در اوایل آخرین دهه قرن بیست جنگ به نفع مردم کشور ما خاتمه پذیرفت.

دولت شوروی منهدم شد که این نویسنده در هفته نامه مجاهدولس یک مقاله تحت عنوان «بار دیگر مجاهدین افغان مسیر تاریخ را تغییر خواهند داد» چاپ پشاور سال ۱۹۸۵ تحریر و در آن انهدام قریب الوقوع «کشور شوراها» را خاطر نشان نموده بودم، که شش سال بعد تحقق یافت و قریب بانزده دولت-ملت در آسیا و اروپا تاسیس شدند و از برکت جهاد مردم ما جنگ سرد به نفع غرب و امریکا موقتاً پایان یافت.

اما آنچه به سرنوشت مردم ما تعلق میگرفت، جهاد سودمند ثابت نشد، بلکه باعث بفرنج شدن بیشتر اوضاع شد. تنها سران جهادی که این بار مشتمل بر تمام اقوام کشور بودند، از جانفشانی های بیحد مردم ما بهره مند شدند که تاخیر در تقسیم قدرت جور نیامدند، تا بالاخره گروهی بنام طالب قدرت را تصاحب نمود. در تحلیل نهایی برنده اصلی جنگ سرد امریکا، سران جهادی و یازندگان واقعی، مثل همیشه، مردم ما بود!

زور آزمایی و تقابل شرق و غرب برای بار سوم، عمدتاً میان چین و امریکا، در آستانه پایان قرن بیست و یکم، پس از تخریب دو آسمان خراش نیویارک شروع شد که افغانستان بدقسمت باز میدان اساسی آن شد. چون این مرحله در تکامل است، لازم می افتد تا درباره تعمق بیشتر صورت بگیرد:

گرچه فعلاً امریکا قدرت بلامنازعه جهان شمرده میشود، اما این وضع دیر دوام نمیکند. چین بیش از پیش قوی شده و میرود و بعد از امریکا بزرگترین طاق اقتصادی جهان شده است. قاره آسیا وزن

جنوب کالیفورنیا

استاد داکتر محمد حیدر

رئیس سابق دانشگاه کابل

### «چيست ياران طريقت بعد از اين تدبير ما»

وطن ما در جریان تاریخ به کرات و مرآت، عموماً از شمال به جنوب جهت تسخیر نیمقاره هند، مورد تهاجم کشور کشایان واقع شده است. از گذرگاهها و دره های این سرزمین عبور و در مسیر راه ویرانی ها و بربادی های بیهم و مداوم بجا گذاشته اند. لیکن در عین زمان چندین بار قدرتهای بزرگ و مراکز فرهنگ و ثقافت نیز در شهر های کشور ما تاسیس شده اند که منطقه خراسان هربار به نور آن درخشان می شد.

به سلسله غزنویان، غوریان و تیموریان هرات چیزی کم چهار صدسال قبل، احمدشاه ابدالی در قندهار یک شاهنشاهی جدید را پایه گذاری کرده بود، اما حضور نامیمون استعمار در منطقه آنرا ساقط و سرنوشت کشور ما را طور دیگر رقم زد. چنانچه در قرن زده افغانستان دوبار مورد تجاوز استعمار بریتانیه قرار گرفت که هربار شکست خورده اما در سازش با معامله گران داخلی موفق به تأمین نفوذش در کشور ما می شد. این داستان غم انگیز حاوی دو صحنه است که با اختصار ذیلاً بیان می شوند.

صحنه اول از رقابت های انگلیس و روس بر سر بازارهای آسیای میانه، بنام بازی بزرگ شروع شد. در مرحله اول مردمان کشور ما مثل همیشه شهامت و شجاعت فیزیکی قابل وصف و انکارناپذیر در مقابله با مهاجمین نشان دادند، چنانچه صاحب منصب انگلیس اولاف کارو، که زمان سیادت انگریزها در صوبه سرحد ماموریت داشت و تاریخ مردم ما را مطالعه کرده بود، در کتابش تحت عنوان «پتان ها» نوشت که «در طومار تاریخ افغانها واقعاتی مشاهده می شوند که نظیر آنها در تاریخ ملت های دیگر سراغ شده نمیتواند!» بلی مکمل یک صد و هشتاد سال قبل در اول جنوری ۱۸۴۲ الفنتستون قوماندان عمومی قوای انگلیس سند بلا شرط تسلیمی اردوی بریتانیای کبیر را به قهرمانان جنگ اول، وزیر اکبر خان در رأس، تسلیم کرد. اما نتیجه نهایی به نفع انگلیس تمام شد. با وجود شکست انگلیس در پروان دره توسط داوطلبان اوزبیک و باشندگان پروان شاهنشاهی افغانی در تبتانی با عناصر داخلی، دوست محمد خان به یک امارت نشین تبدیل گردید.

در مرحله دوم صحنه اول، چهل سال بعدتر، علیرغم انهدام کامل فرقه انگلیس در میوند توسط غندهای هراتی و کابلی به رهبری خوشدل خان بارکزی، باز هم انگلیسها موفق شدند تا زمام امور کشور را به سفاک ترین انسان بسیارند. این همه وقایع جمع کار کردهای ناموجه رژیمهای خودکامه داخلی درین یکصد و چهل سال اخیر باعث شدند تا پروسه تشکیل یک دولت-ملت واقعی تکامل کرده نتواند.

۲۷ جنوری: ناحیه روداتو ولایت ننگرهار یک انسان ملکی توسط قوای طالب با فیر مرمی کشته شد. فامیل مقتول ادعا کرده اند: وی برای خریداری برآمده بود که قوای طالب او را کشتند.

۲۸ جنوری: منابع در قندوز راپور داده که یک افسر نظامی سابق با برادرش در قریه چاریکاری ناحیه خان آباد توسط افراد تفنگدار ناشناس کشته شدند. خویشاوندان مقتول گفتند تفنگداران لباس نظامی به تن داشتند.

۳۱ جنوری: یک افسر سابق پولیس در ولایت قندهار کشته شد. یک منبع از دایرکتور جنرال استخبارات ولایتی GDI که نحواست اسمش افشا شود گفت محمد طاهر افسر سابق پولیس توسط تفنگداران ناشناس کشته شده است.

دوم فروری: قوای طالبان با شکستادن درب خانه افسر سابق پولیس اعظم خان در ولایت کاپیسا به خانه اش داخل شدند. یک ثبت ویدیویی نشان میدهد که قوای طالب به خانه اعظم خان در قریه لطیف خیل ناحیه کوهستان ولایت داخل میشوند. چون خود اعظم خان را نیافتند پسرش را زندانی ساختند.

سوم فروری: یک فعال اجتماعی ملکی توسط طالبان در هرات زندانی شد. فامیل فیاض غوری ادعا کردند که او توسط قوای طالب در نزدیکی اداره والی گرفتار و با یک سرنوشت نامعلوم زندانی گردید. آنها گفته اند که دلیل زندانی شدن وی را نمیدانند.

علاوتاً شورای دموکراتیک صلح و سعادت یا DPPC روز پنجشنبه ۱۷ فروری ۲۰۲۲ اعلامیه ذیل را از تلویزیون ABC نقل نموده پخش کرد: «در طول شش ماه که از تسلط طالبان بر افغانستان می گذرد، مردم کشور فقیرتر و ناامیدتر شده اند. در عین حال اگرچه سطح خشونت ها در افغانستان بطور نسبی کاهش یافته است اما دلیل آن این است که طالبان خود عامل اصلی نا امنی بوده اند. به اساس سی و دو واقعه دلخراش فوق با وجود راپور تلویزیون فوق کدام تغییری در خشونت از طریق افراد ناشناس که یقین طالبی اند کم نشده بلکه کشتار مامورین و پولیس و نظامیان حکومت قبلی بیشتر شده است. متأسفانه تلویزیون های امریکا در قسمت افغانستان هم به نعل میزنند و هم به میخ نمی خواهند که یار برنجند. تفنگداران ناشناس کی ها هستند؟ چرا بدون تکلیف فرار میکنند؟ چرا تعقیب نمیشوند؟ چرا محاکم صحرائی جای مدعی العموم و قاضیان و محاکم سه گانه را گرفته است؟ سوال هایست که متصدیان اداره طالبی باید به مردم جواب بگویند.

مثال دیگر وعده خلافی طالب توسط امرالله صالح سابق معاون ریاست جمهوری است که در انترنت برملا گردید: طالب داکتر فریدون رئیس اجرائیوی «میوند بانک» را بکابل دعوت میکند ولی هفته هاست که در داخل دفترش محبوس است و اجازه ندارد با کس در تماس شود؛ بحث درباره صد تا سه صد ملیون دالر است. قرار نوشته امرالله صالح طالب یک پاکستانی را در راس امور اجرائیوی بانک مقرر کرده اند.

قرار راپور جبهه مقاومت، طالبان پشتون بروز ۱۳ فروری ۲۰۲۲ یک طالب اندرابی را در منطقه قریه بلحصار اندراب کشتند، بعد جسدش را تیر باران کردند و گفتند: ما به نیرو های تاجیک ضرورت نداریم. طالبان تاجیک تبار، اوزبک تبار و هزاره تبار بیدار شوید! شما را استعمال میکنند و بعد می کشند.

قرار راپور موسیقی وحید قاسمی و گفته فرهاد دریا جوان موسیقی دان محبوب بنام موسی از طرف طالبان ظالم مورد لت و کوب قرار گرفت که علامات ذره ها در پشت این جوان در فوتویی که در رسانه ها پخش شده نمایان است. وهم بروز پنجشنبه دهم فروری، سید محمد آصف هاشمی رئیس دانشکده دانشگاه شرعیات غزنی را طالبان کشتند! در نصاب درسی؛ طالبان - جهاد، عشر و زکات را علاوه نموده اند.

از ماه اگست به اینطرف ۵۰ خیر نگار زندانی شده و فوتوی شان با علامات ذره کوبی در رسانه ها چاپ شده است. دختران معترض محبوس شدند و داکتران و استادان طب احتطاف گردیده اند.

دوست قدیم و با دار باداران طالب به سخنگویی برای حمایت فرزندان نا خلف شان دهن باز کرده یک رئیس پیشین ارتش انگلیس خواستار برسمیت شناختن شان شده است. این نوشته را با راپور دلخراش ذیل که از طرف رازق مامون در جمهوریت پنجم نمبر ۷۸ از طریق رسانه ها پخش شده است پایان می بخشم: قرار راپور منابع اطلاعاتی مامون گفته است و لطفاً به اصل گفتار مراجعه فرمائید: در زیر زمینی دانشگاه امریکایی کابل برادران حقانی مدیریت پروژه ای بدوش دارند که توسط شش نفر عرب عضو القاعده که متخصصین اسلحه مواد کیمیای اند، به آزمایش و تحقیق شروع کرده اند. میخواهند تکنیک جابجا ساختن این مواد را بر راکت های کوتاه پیم و دراز پیم و درون ها و روبوت تحقیق بخشند. در قصر دار الامان اطاق های مخصوص برای تجارب خود مهیا ساخته اند و در ماه دلو ۱۴۰۰ شمسی هجری آزمایش هایی هم در دشت سقاوه انجام داده اند. هدف شان اینست که این مواد غیر قانونی را از مسافت ۳۰ کیلومتر به ۶۰ کیلومتر رسانده (صفحه ۸)

۱۲ جنوری: آمر استخبارات ناحیه بتیکوت ولایت ننگرهار که برای دولت پیشین نیز کار کرده بود توسط تفنگداران ناشناس کشته شد. منابع محلی ادعا دارند که وی در اثر یک حمله ISIS-K به قتل رسید. طالبان تا هنوز درین باره چیزی نگفته اند.

۱۲ جنوری: افراد ناشناس یک انجنیر ملکی را در ولایت بغلان به قتل رسانیدند. دایرکتور ولایتی اطلاعات و فرهنگ (DoIC) تأیید کرد: یک انجنیری که در دستگاه سمند غوری کار میکرد توسط افراد ناشناس کشته شده است.

۱۳ جنوری: قوای طالبان یک قوماندان قیام مردمی محل را سر بردند. منابع محلی راپور داده که قوماندان جوهره، قوماندان محلی که درین اواخر از ایران به افغانستان اخراج شده بود چندروز قبل سرش را از تنش جدا کردند. راپور داده شده که به فامیل آسیب رسیده اجازه مراسم تدفین داده نشد. علاوه پنج نفر دیگر هم همراه قوماندان گرفتار شده بودند که درباره شان کدام معلومات در دست نیست.

۱۳ جنوری: فامیل عالیه عزیزی، سابق آمر محبس زنانۀ ولایت هرات، ادعا دارند که وی توسط قوای طالبان سه ماه قبل بدون کدام دلیل گرفتار شد. آنها علاوه کرده اند که تا حال طالبان کدام تماس فامیلی را با عالیه عزیزی اجازه نداده اند. آمران طالبی درین باره تبصره نداشته اند.

دوم - قتل هاو حبس های ظالمانه و دهشت افگنی از روز ۱۵ جنوری تا ۲۴ جنوری ۲۰۲۲:

۱۵ جنوری: منابع در کابل گفته اند که یک بانو بنام زنیب عبداللهی بساعت یازده شب وقتیکه طالبان بر موترش در چک پاینت ساحة گولایی ناحیه ۱۳ کابل گلوله باری نمودند کشته شد. در ابتدا، بعد از تفتیش موترش او را اجازه دادند که به راه بیافتد ولی بعد از چند متر دورتر از محل چک پاینت قوای طالبان بر موترش فیر کردند.

۱۶ جنوری: تفنگداران ناشناس یک انسان را در حوالی پل سراچه ناحیه ۹ شهر جلال آباد به قتل رسانیدند و یک ساکن محل گفت: قاتلین از محل حادثه فرار کردند.

۱۸ جنوری: یک خانم فعال اجتماعی به نام حنیفه نظری توسط تفنگداران ناشناس در مقابل خانه اش در ولایت بلخ کشته شد. قاتلین موترسایکل سوار از محل حادثه فرار کردند.

۱۸ جنوری: منابع محلی ولایت تخار راپور داده اند که قوای طالب محمدطاهر یک قوماندان سابق قیام مردمی را گرفتار نموده از خانه اش در ناحیه کلفگان ولایت به زندان بردند. اعضای فامیل محمدطاهر ادعا کرده اند که قوای طالبان او را شدیدن لت و کوب کردند.

۱۸ جنوری: یک افسر سابق پولیس در ناحیه پچرگام ولایت جلال آباد توسط افراد ناشناس کشته شد. منابع محلی راپور داده اند: تفنگداران از محل گریختند.

۲۰ جنوری: منابع محلی ولایت بغلان ادعا نموده اند که یک جوان در ساحة سرخ کوتل ولایت کشته شده بود. منابع امنیتی این قتل را تأیید نموده اند و راپور نگاهشته است: جوان توسط تفنگداران ناشناس کشته شده است.

۲۱ جنوری: در ساحة خدایارخیل ولایت کاپیسا یک انسان مسن قرار اظهارات مربوطین مقتول در حالیکه کدام دشمن شخصی نداشت توسط مردان ناشناس در خانه اش کشته شده است.

۲۱ جنوری: منابع محلی گفت قوماندان قادریک افسر قوای خاص دولت پیشین و هفت همراه او که در یک محفل خانگی در ولایت بلخ شرکت داشتند طالبان بر محفل هجوم برده و همه آنها را به قتل رسانیدند. مهماندار را با سه عضو فامیلش نیز کشتند.

۲۱ جنوری: یک مرد و یک زن در ولایت بدخشان در اثر روابط خارج ازدواج شکنجه ظالمانه شدند. هردو توسط قاضی ذرنه زده شد. متصدیان ولایتی طالبان درین باره تبصره نکرده اند.

۲۲ جنوری: منابع محلی تخار گفتند افراد ناشناس یک مامور دیپارتمنت زراعت حکومت سابق را با فیر گلوله کشته موترش را ربوده اند. قرار اظهارات منابع این حادثه بعد از ظهر روز جمعه در صحن دانشگاه تخار رخ داده است.

۲۴ جنوری: منابع ولایت ننگرهار راپور دادند که قوای طالبان یک محبوس را با لت و کوب شدید و بیرحمانه کشته اند. منابع راپور داده اند: این حادثه دلخراش در ناحیه غنی خیل ولایت رخ داد.

سوم - قتل هاو حبس های ظالمانه و دهشت افگنی از ۲۵ جنوری تا سوم فروری ۲۰۲۲:

۲۵ جنوری: حبیب الرحمن ملکزاده سابق چیف پولیس ناحیه تیورای ولایت غور در حوالی بعد از ظهر توسط تفنگداران ناشناس کشته شد. عبد الواحد حماس سخنگوی دفتر ولایت غور گفت: مقتول در پیش روی خانه اش در ولایت هرات کشته شده است.

۲۶ جنوری: جسد یک جوان افغان بنام عبدالله که قرار راپور برای قوای امنیتی حکومت سابق کار میکرد در شهر لشکرگاه پایتخت ولایت هلمند یافت شد. راشد دایرکتور ولایتی اطلاعات و فرهنگ گفت که مقتول عبدالله از دو روز با اینطرف مفقود الاثر بود؛ وی با رفقای خود به تفریح رفته بود.

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو

## به دوام خلاف رفتاری های حقوق بشر طالبان

به تعقیب راپور های گذشته خود «شورای دموکراتیک صلح و سعادت» یا DPPC وا شننگتن دی سی راپور ذیل را که نمایشگر ظلم و ستمگری طالبان است از تاریخ ۲۳ دسمبر ۲۰۲۱ تا ۱۴ جنوری ۲۰۲۲ و از تاریخ ۱۵ جنوری تا ۲۴ جنوری ۲۰۲۲ به زبان انگلیسی جوامع بشری را مطلع ساخته اند. ادعا شده که هریک ازین راپورها از منابع معتمد در محل تأیید شده است. معلومات بیشتر از دفتر DPPC بدست آمده می تواند. آنچه میرم و آشکار است اینست که در ظاهر جهت فریب ممالک متمدن جهان فعالیتهای دیپلوماسی از طرف وزارت خارجه نام نهاد طالب با شعار «اکنون در مملکت امنیت است و ما بر مملکت حکم رواهستیم» آغاز گردیده است. ولی در افغانستان هم نفوذ پاکستانی ها چشمگیر است و هم حقانی ها مقتدر اند به مامورین دولت سابق که «عفو عمومی» گفته بودند جز فریبی بیش نبود. مردمان محلی به این عفو عمومی «چور عمومی» نام داده اند.

اول - قتل هاو حبس های ظالمانه و دهشت افگنی از روز ۲۳ دسمبر ۲۰۲۱ تا ۱۴ جنوری ۲۰۲۲:

۲۳ دسمبر - قندهار: یک افسر سابق پولیس توسط یک تفنگدار ناشناس در ناحیه نهم کشته شد. شاهدان عینی گفته اند که مقتول افسر سابق در ولایت ارزگان بود و تقریباً ۲۰ روز قبل از شهادتش دوکان ترکاری فروشی در ناحیه نهم باز نموده بود، شام ۲۲ دسمبر توسط دو تفنگدار موترسایکل سوار وقتیکه روانه ادای نماز شام بود به قتل رسید و قاتلین از صحنه گریختند.

۲۴ دسمبر: یک تاجر از سرک نمبر ۲۰ عینو مینه ولایت قندهار اختطاف شد. چیف پولیس قندهار حادثه را تأیید نمود و گفت قضیه تحت تحقیق است.

۳۱ دسمبر: یک مامور دولتی قدیم که به دراپور ریگشا تبدیل شده بود یک فرد تفنگدار در ساحة دامان در ناحیه نمبر ۸ شهر جلال آباد سرش را از تنش جدا نمود. فامیل آسیب دیده گفته اند که دشمن شخصی نداشته اند و اظهار داشتند که معلومات بیشتر به دسترس شان قرار ندارد.

جنوری اول ۲۰۲۲: یک فرد تفنگدار ناشناس یک انسان را در ساحة کپرک شهر بلخمری مرکز ولایت بغلان به قتل رسانید و خامش را مجروح ساخت. شفاخانه ولایتی بغلان راپور داده است که: خانم مجروح برای تدای بکابل فرستاده شد.

سوم جنوری: منابع امنیتی در ولایت نیمروز راپور داده اند که هفت نفر ملکی متهم به جرایم مختلف را زندانی ساخته اند. در جمله زندانیان مامورین دولت سابق شامل اند. طالبان ادعا دارند که متهمین برای رشوه ستانی، معاملات مواد مخدر و مردم آزاری در قسمت های مختلف شهر گرفتار شده اند.

سوم جنوری: در شهر بلخ ولایت مزار شریف یک زن و مرد توسط یک تفنگدار ناشناس کشته شدند. مسکونین ساحه ادعا داشتند که آنها به اتهام فحشا از طرف طالبان به قتل رسیدند. متصدیان شفاخانه ابوعلی سینا تأیید نمودند که جسد یک زن و یک مرد بروز جمعه به شفاخانه آورده شده است. طالبان تا حال در باره حادثه چیزی نگفته اند.

۴ جنوری: یک تبدیل کننده اسعار توسط تفنگدار ناشناس کشته شد. پدر مقتول گفت ما کدام دشمنی شخصی نداریم و حمله کنندگان بر او در مقابل دو کانش در حالیکه میخواستند اختطاف کنند او را مقتول ساختند. طالبان تا حال درین باره چیزی نگفته اند.

ششم جنوری: در شهر جلال آباد یک فرد ملکی توسط افراد تفنگدار ناشناس کشته شد. منابع محلی راپور داده اند که حادثه در ساحة سراجة علی خان در ناحیه نهم شهر رخ داد و تفنگداران از محل حادثه گریختند. طالبان تا حال درین باره چیزی نگفته اند.

۹ جنوری: یک انسان توسط افراد ناشناس در ساحة صافیان ناحیه هفتم شهر لشکرگاه کشته شد. طالبان تا هنوز درین باره چیزی نگفته اند.

۱۱ جنوری: در ناحیه قرغه ای ولایت لغمان پنج فرد یک فامیل توسط افراد تفنگدار ناشناس کشته و یک نفر شان زخمی گردید. حاکم قرغه یی گفت قاتلان از ساحه گریختند.

**Maaid Weekly**  
**12286 Ashmont Ct. # 202**  
**Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.**  
**Tel/Fax : (703) 491-6321**  
**mkqawi471@gmail.com**

ناشر و مدیر مسئول: محمّد قوی کوشان

انجنیر عبدالصبور فروزان

نیوجرسی

## کرزی . احمدزی . طالبان

### باز یگران صحنهٔ سیاه دیگر در تاریخ وطن (۵)

دراخبارانترنتی آمده که پلوشه دخترک خردسالی بامادرش در کنار جادهٔ خانهٔ شان در کارته سه کابل، که ازدحام چندانی نداشت، قدم میزد که ناگهان موتر پیکپی نمایان شد که در عقب آن چندتن جنگجویان طالب باماشیندارها و سلاحهای شان نشسته ودر کنارهٔ پیشروی موتر بیرق کلانی در اهتزاز بود که در آن کلمهٔ شریف نوشته شده بود؟! موتر در چندمتری پیش روی پلوشه و مادرش توقف کرد و یک طالب باماشیندارش بسرعت از عقب موتر خیز زد و به جانب آن دخترک و مادرش آمد و بالای آنها با صدای هیبتناک صدا زد : (ایستاده شوید)، و درین حال طالب دیگری نیز با سلاحش از عقب موتر خیز زد و خود رایبه آنها رساند و از آنها پرسید «چرا بدون محرم شرعی از خانه برآمده اید؟» مادر که خانم سرسفیدی بود و تکلیف صحی داشت بوتل آب را از دستکولش کشید و کمی از آن نوشید که ممکن از فشار وحشت و ترس آن طالب گلویش خشکی کرده بود، زبانش از حرف زدن ماند و مات و مبهوت ایستاد شد و جوابی نداد، ولی دخترک فوراً گفت (ای مادرم اس مریض اس، فشار خون داره، خاست قدم بزنه که دقی دلش کمی کم شوه و مه همراهیشه کدم). درین حال یکی از طالبها خود را نزدیکتر ساخت و سیلی محکمی بروی آن مادر پیچه سپید و مریض زد و گفت (ای سیلی بخاطری بود تا یادت باشه که ده آینده بدون محرم شرعی از خانه نبر آیی)! این طالب بی ادب از این عمل ناشایستهٔ غیر انسانی و غیر اسلامی خودخوش شده بود که گویشا بر شریعت رانطریق کرده و یک عمل اسلامی انجام داده و پاداش آنرا از خدای متعال انتظار دارد! این است شریعت طالبی و اسلام مدارس دیوبندی پاکستانی !

این گزارش غم انگیز را که مشت نمونهٔ خروار از مظالم طالبان است باشما خوانندگان عزیز جریدهٔ امید شریک ساختم تا دردملت را که در چنگال خونین طالبان در گیرانند تمثیل شده باشد. آری سیلی زدن به روی مبارک یک مادر سرسفید و مریض چقدر جگرسوز و چه گناه عظیم است !

اما حامد کرزی و غنی احمدزی که در رأس گروه متعصب لانه کرده و در ارگ قرار داشتند، در به قدرت رسیدن این طالبان و تحقق رویای فاشیسم پشتونیسیم خود رامیدیدند و در طی بیست سال بخشی از منابع مالی و کمکهای بیرونی را که برای بهبود وضع زندگی مردم و ترقی و پیشرفت کشور و تاسیس اردوی منظم و قوی سرازیر می شد، در راه تحمیل آرمانهای پشتونیسیم خود برملت، و ایجاد تفرقه و نفاق بین مردم مصرف کردند و بعد از بیست سال باموجودیت هشت اعشاریه سه تریلیون دالر کمک بیرونی، ملت پارچه پارچه و متفرق، گرسنه و فقیر، کشور ورشکسته با اقتصاد درال سقوط و قوای مسلح مضمحل شده از خود به میراث ماندند ! ملتی که از فقر و گرسنگی اولاد های خود را میفروشنند، مملکتی که در اسارت نظامیان پاکستانی درآمده و در چنگال خونین عقب مانده ترین، ظالم ترین، تاریکترین، جاهل ترین و وطنفروش ترین گروه در گیر مانده، و اینهمه بخاطر تحقق اهداف فاشیستی پشتونیسیم یک گروه خاص!

اشرف غنی احمدزی که اخیراً توسط یک موسسهٔ ارزیابی جهانی بحیث دومین مرد فاسد جهان در سال ۲۰۲۱ شناخته شد، نه تنها از حالت کنونی کشور و بد بختی ملت متأثر نیست بلکه آنرا جزو دستاوردها و قهرمانی های خود میداند، چیزی که برای او مهم است اینست که کشور رایبه طالبان تسلیم کرد. برای او مهم نیست که مردم به چه بدبختی و سپهروری دچار شده و مملکت در چه قهقرای وحشتناک تاریخ فرو میرود، بلکه این اهمیت دارد که طالبان ۹۸٪ پشتون اند و همهٔ کشور را در چنگال خونین خود گرفته آنها هم باتفنگ و سر نیزه که کسی سربلند کرده نتواند، و این پلان او (و کرزی) طی بیست سال بود !

بقول حاجی حیات الله، غنی احمدزی در مجلس قرار دادی ها و تاجرانی که همه پشتون بودند و از دعاگویان او، در مقرر بودو باشش دردوبی گفت: «آنچه را که به شما میگویم تاریخ و فرزندان ماوشما آنرا به خط زرین خواهند نوشت و این خدمت بزرگ من که شرق و غرب رایبه حیرت انداخت و کاری رابسر رساندم که نه امان الله خان توانست نه داوودخان ونه داکتر نجیب، و آن اینست که تمام سرزمین را عاقلانه و ماهرانه به صاحبان اصلیش سپردم ! حالا شما بگوید که من قهرمان آیندهٔ افغانستان هستم یانی! من این قهرمانی رابا همه بدانمیش به دل و جان خریدم البته برای شما قوم»! !

در واقع اشرف غنی احمدزی به آرمانی که برای بیست سال جهت تحقق آن عرقریزی میکرد رسید و پلان و دسایسی را که برای حصول این هدف طرح کرده بود تطبیق شد و پیروز گردید. جای تأسف است که حامد کرزی طی سیزده سال حکومت خود در ظاهر بیث رئیس جمهور افغانستان وبه گفتهٔ خودش از مردم افغانستان نمایندگی میکرد، اما در خفا با طالبان دست داشت و همکاری مینمود، به آنها پول میفرستاد، انتحاری های

آنها را تفقد کرده رهامی ساخت، باسران آنها در ارتباط بود، در تغذیهٔ نظامی آنها دیدخل بود و از حمله بر آنها جلوگیری میکرد. او در روزی های اول از اشغال کابل توسط طالبان اظهار بیخبری مینمود و باصراحت میگفت که از فرار اشرف غنی آگاه نبود و از داخل شدن طالبان در ارگ بیخبر بود، ولی بعد از افشای حقایق ازین دروغها چشم پوشی کرده گفت که او بود که از طالبان دعوت کرد تا داخل شهر کابل شوند و قدرت رابدست گیرند تا عناصر ناخواسته شهر را چورو چپاول نکنند !

شنیدن چنین حرفها از زبان کرزی انسان رایبه حیرت می اندازد و مو در بدن استوار میشود که چطور شخصی که خودش و فامیش آغشته به فساد، چپاول دارایی های عامه بودند، چنین دلسوزی هایی را به دارایی های عامه و چپاول نشدن آنها نشان میدهد؟! مگر او فراموش کرده که برادرش بهمکاری خودش کابل بانک را چور کرده بود، مگر بخاطر ندارد که برادر دیگرش مصروف قاچاق مواد مخدر بود و در لیست جیره خوران سی آی ای بود، مگر فراموش کرده که برادر سومش بهمکاری خودش فابریکهٔ سمنت غوری و معدن زغال سنگ کرکر و چاههای نفت رادر سریل شبرغان غصب کرد و اینهمه دارایی های عامه را که مربوط بهمهٔ مردم کشور بود جزو دارایی های خود خوانوده اش ساخت! مگر از غصب زمینهای دولتی برای اعمار پروژهٔ عینو(به نام پدر کلان حامد کرزی) توسط برادران و اقاربش چشم پوشی مینماید؟ مگر کرزی فکر میکند که ملت در خواب است ونمی داند که او ملیونها دالر از جینایی ها در معاملهٔ خاینانهٔ فروش معدن مس عینک گرفته است؟

به استناد آمار ارائه شده از طریق نیویارک تایمز در سال ۲۰۱۵ او از جملهٔ پر درآمدترین شخص در جهان بود که عاید سالانه اش به ۴۷ میلیون دالر سنجیده شده بود. راپورها حاکیست که حامد کرزی در زمان ریاست جمهوری اش ملیونها دالر (بقول روزنامهٔ تایمز هشت صد میلیون دالر) از پول هایی که برای آبادی کشور و آرامی مردم ما از طریق مجامع بین المللی سرازیر شد، به طالبان، این قاتلین فرزندان مردم افغانستان، دشمنان خاک مافرساده است و این در حالی است که مردم کشور در گرسنگی و فقر بسر می برند و در چند کیلو متری ارگ، اطفال از اشغال ها توتنه های نان و غذای پسمانده رابرای فامیل هایشان جمع میکردند، و برای اشرف غنی برای مصارف انتخابات بیست هزار دالر می داد! کرزی در زمان حکومنداریش کوچی ها(پشتونها) و هزاره رادر افشار کابل باهم در جنگ و خونریزی انداخت، صفحات شمال کشور را با تزریق طالبان و همتای آنها داعش نارام ساخت و مردم او را قاتل جنرال داؤود فرخاری، عبد الرحمن سیدخیلی، استاد برهان الدین ربانی شهید مداندند و در زهر دادن مارشال فهیم دست مستقیم داشت و حکومتی راسرپرستی میکرد که از نگاه فساد اداری مقام دوم در جهان داشت.

جالب اینست که کسی با این سابقهٔ دزدی، رشوتخوری و چپاولگری که در بین ملت بحیث یک شخصیت کاذب و مزور و سابقهٔ جاسوسی با سیا و آی اس آی مشهور است و همه میدانند که (گریگفولج) یک مامور بلند پایهٔ سی آی ای برای اولین بار او را بحیث اجنتی از آن اداره در قندهار دیسانت کرد و رئیس جمهور ساخت، چطور بخود حق میدهد که طالبان رادعوت کند که داخل کابل شوند؟! این از عقل و منطق دور است که شخصی که هیچ مقام دولتی یا مردمی ندارد و آنها هم با این سابقهٔ سیاه، خود را نمایندهٔ مردم جا زده و طالبان را که دشمنان خاک و وطن ماقاتلین فرزندان این وطن هستند، دعوت نماید که داخل کابل شده وارگ را تسلیم شوند. این حرف و اقرار کرزی یک خیانت دیگری به مردم افغانستان است.

اما حقیقت چنین است که طالبان باتفنگ و جنگ قدرت را اشغال کرده اند و به اساس توافقات نامتبادل دو حه این عمل آنها از طرف جامعهٔ جهانی تقبیح شده، عمل ظالمانه و خلاف آراء و خواستههای مردم افغانستان دانسته میشود. ولی کرزی پررویی کرده باردیگر خواست تا خدمت دیگری به طالبان ننماید و این بار بابر یا کردن هیاهوی یک ژورنالیست خارجی رامیخواهد به جهان اعلام کند که من طالبان رادعوت کرده ام ! و با این تزویر خواست تا جامعهٔ جهانی را اغوا کند که گویا طالبان باجنگ و تفنگ قدرت رانگرفته اند بلکه او آنها را دعوت کرده است. در روزهای اول این نیرنگ کرزی کاری افتید و در مطبوعات جهان تاثیر زودگذری انداخت اما بزودی مردم جهان متوجه هدف این نیرنگ شدند و به آن اهمیتی ندادند و بزودی واقعبتیا بر ملا شد و دانسته شد که این پلان به همدستی طالبان یابه اساس هدایت آنها به کرزی طرح شده است، که واقعبت ندارد و کرزی مانند غنی احمدزی بدنامی دیگری رابخاطر تحکیم قدرت طالبان قبول کرد، آنها با جان و دل !

کرزی درین اواخر در مصاحبه باتلویزیون طلوع گفت «وقتی وضعیت کشور بسیار خراب شد و پروسهٔ صلح در دوحه بسیار به درازا کشید، من و داکتر صاحب عبدالله تشویش پیدا کردیم که آیا حقیقتاً پروسهٔ دوحه پروسهٔ صلح است یا معاملهٔ دیگری زیر پوشش صلح جریان دارد، و نزد داکتر صاحب اشرف غنی رفتیم

ماری خلیلی ناصری

فیرفکس ، ورجینیا

## دشت ما گرگ اگر داشت نمی نالیدیم نیمی از گلهٔ ما را سگ چوپان برده

باکمال تأسف رهبرانی که با وعده های دروغی شان رأی اعتماد ملت افغانستان را کسب کرده بودند، با خروج محافظین امریکا، فرار را بر قرار ترجیح داده و ملت را تنها گذاشتند. این رهبران کسانی بودند که بعد از بدست آوردن قدرت، در نخستین سالهای حکومت شان به تبعیض زبانی و تفرقه اندازی میان اقوام دست بکار شدند و با این مرام شوم، در جداسازی شمال و جنوب و شرق و غرب افغانستان تلاشها کردند، غافل از اینکه بدانند :

ما ملت واحدیم باهم یکسان همسباز به درد و رنج در طول زمان هر کس که اشاره کرد انگشتش بر این ازبک و این هزاره اینست افغان (صفحهٔ ۸)

\*\*\*\*\*

تابه دوحه برویم و معلوم کنیم که گپ از چه قرار است، لیست یک هیئت را ترتیب کردم که قبول شد و چند نفر را داکتر صاحب غنی اضافه کرد و قرار بود که شام ویاشب به دوحه برویم که دولت سقوط کرد ! «او از فرو پاشی ساختار دولتی، پارلمان و اطلاعات جمعی افسوس کشید و گفت که میخواست به روسیه یا جرمنی برود که نشد(طالبان اجازه ندادند!) و گفت که باسران طالبان، گلبدین و داکتر عبدالله همیشه در تماس است و ملاقات با آنها دارد و خیال بقدرت رسیدن راندارد، و گفت رسیدن بقدرت نه به نفع خودش است نه به نفع افغانستان !

کرزی گفت باقانونی همواره تماس تلفونی دارد ولی از اینکه قانونی تاسیس یک شورای ملی سرتاسری راپیشنهاد کرده، اظهار بی خبری مینماید و تاکید دارد که کمکهای بشر دوستانه به طالبان تسلیم داده شود نه به انجیوها و موسسات خیریه و ملل متحد ! او از صحبت در مورد فرار غنی احمدزی خود داری کرد و گفت در موقفی که فعلا قرار دارم لازم نیست درین مورد حرف بزنم . و مانند اکثر متعصبین زبانی، فرار غنی احمدزی را(برآمدن) گفت که تلبیس حقیقت است. او گفت دختران را از مکتب مانع شده، مکاتب را ویران کردن، دروازه های مکاتب رابسته کردن کار بیگانگان است. طالبان رابرا دران خود گفت و جبههٔ مقاومت ملی رانیز برادر خطاب کرد و گفت که با داکتر صاحب عبدالله مکتوبی به سران طالبان فرستاده اند که در آن ایجاد یک تفاهم ملی و رفتن به طرف لویه جرگه و کار بالای قانون اساسی پیشنهاد شده است.

از نحوهٔ صحبت کرزی چنین برمی آید که او از گرفتن آن پاداشی که در برابر از خود گذریها و جان نثاریهایش برای طالبان در طی بیست سال ناامید است و میخواهد از دریجهٔ ناراضیتی به طالبان نگاه کند، و دلسوزی ملت را به خود جلب نماید. او درین مصاحبه که قسماً زیر تهدید معلوم میشد، سئوالها را با احتیاط تام و زیر کانه به ترتیبی جواب داد که پیام خود رایبه مردم برساند که تحت فشار طالبان است و اختیار خود و آزادی خود را ندارد، میخواست به خارج برود که ممانعت شد و در غم آیندهٔ خود است که چه میشود و ممکن خوابهای به دارا و یختن نجیب توسط طالبان او را آزار میدهد.

قرار اطلاعاتی که به این تازگیها از طریق یک مامور سابقه دار وزارت خارجه به دست آمده، حامد کرزی عادت به استفاده از چرس دارد. این مامور که شخص صادق و وطن دوستی است میگوید که در وزارت خارجه تخت بامی وجود دارد که جای بسیار آرام است و مناظر زیبای کابل از آن بخوبی مشاهده شده میتواند. کرزی روزهای پنجشنبه بعد از اینکه مامورین رخصت میشدند، با عدهٔ از دوستانش که در آن برخی از خارجیها هم شامل بودند، میآمد و در آن تخت بام میزها و چوکی چیده میشد و پیشخدمتها بالباسهای پاکیزه و خاص که دستمال های سفید بالای دست داشتند به خدمت گماشته میشدند. در ضمن غذاها و نوشابه ها، در بشقاب های خاص چند عدد سگری که با چرس پیروند به مهمانان تعارف می شد. آنها بشمول حامد کرزی به چرس کشیدن شروع می کردند که بوی آن حتی در نواحی دور دست هابه مشام میرسید.

برای من(نگارنده) قبول این موضوع مشکل بود، ولی آن مامور سابقه دار را تا جایی که میشناسم شخص صادق، پاک و خدمتگوار وطن است. او گفت باید به تأسف بگویم که همه وزیران خارجه به استثنای زلمی رسول و صلاح الدین ربانی، زنجبازی میکردند و اکثر خانمها که به پست دپلوماتیک گماشته میشدند سوء استفاده میکردند. این مامور گفت فساد اخلاقی در وزارت خارجه و ارگ نقل میدان بود و جلو این قافله که خوابگاههایی در شهر نو و وزیر اکبرخان داشت بدست فضلی و اجمل غنی احمدزی پسر کاکای رئیس جمهور بود.

این مامور که از من(نگارنده) تقاضا کرد که چشم دیدش رادرین بخش بگنجانم گفت در نظر دارد چشم دیدهایش را با اسناد و اینکه در وزارت خارجه در زمان کرزی واحدزی چه میگذاشت، به قید تحریر در آورده وبه مردم خود عرضه نماید. / (دنباله دارد)

## از کنگینه تصوف

گزیده ی از «فیه مافیه»

مجمع بزرگی بود... به دعوت معین الدین پروانه (امیر پروانه = معین الدین پروانه) که از رجال سلجوقیان روم و در واقع صاحب اختیار روم و ازارادتمندان خاص مولانا بود. جمع کثیری از کسبه و تجار معروف شهر، جمعی از عیاران و اخیان وعده زیادی از مریدان و یاران حضرت مولانا، برای شنیدن سخنان وی گرد آمده بودند .

تالار بزرگ منزل امیر پروانه ملامال ازانبوه جمعیت بود که به تناسب شأن و مقام مادی یا معنوی در صدرها نشسته بودند. در میان آنان چهره های سرشناسی چون امین الدین میکائیل (نایب السلطنه) تاج الدین معتز(امیر بزرگ و متنفذ عصر)، محمود مستوفی (اکابر روم) و از مریدان خاص مولانا، شیخ شرف الدین هروی (از علمای قونیه) مجدالدین اتابک (صاحب دیوان مملکت و داماد پروانه) به چشم میخورد. جمعی از خواص و مریدان نزدیک مولانا نیز گرداگرد مولانا نشسته و همگی خاموش، در انتظار شروع سخنان وی بودند .

نور شمع ها که روی شمعدان های پایه بلند در سراسر تالار روشن شده بود و قندیل های نورانی که از سقف بلند تالار آویزان بود، به مجلس زیبایی خاصی می بخشید و حضور مولانا که با آن قامت خمیده و سیمای روحانی، سر به پایین انداخته و در خود فرو رفته بود، ابهت مجلس را سد چندان میکرد. بوی عود و عنبر که در زوایای تالار در مجمرهای بزرگ، عطر افشان بود با بوی گلاب آمیخته، عطر خاصی در فضا پراکنده میساخت و انسان را باخود به دور دستها سفر میداد... انتظار به درازا کشیده بود و امیر پروانه که میزبان مجلس بود، بیش از همه بی تاب به نظر می رسید. می دانست که مولانا با سخنان خود، آتشی به جان حصار خواهد انداخت که فروغش تا اعماق قلب و روح آنان را خواهد گذاخت و باز هم میدانست که مولانا با تمام عظوفت، شفقت، مهربانی و تواضعی که دارد، اگر کلامی ناروا یا ناحق به گوشش برسد خود داری نخواهد کرد و سزای ناروا گوینده را با کلامی خواهد داد و او با تمام زیرکی و دقتی که در دعوت حصار و دستچین کردن آنها به خرج داده بود، بازم نمی توانست کاملا خاطرش ایمن باشد که طبع نازک مولانا آزرده نشود. بیت :

من چه گویم که ترا نازکی طبع لطیف

تا به حدی است که آهسته دعا نتوان کرد

سکوت سنگینی بر مجلس حکم فرما بود، مولانا آنچنان سر به جیب تفکر فرو برده بود که گویی در عالمی ماورای زمان و مکان سیر می کند و آنهمه جمعیت مشتاق و منتظر رانمی بینند. سکوت کامل اختیار کرده و غرق تفکر می نمود.

حسام الدین چلبی در آن زمان در خارج شهر، در باغ شخصی خود بود و امیر پروانه به فراست دریافت که البته او را باید خواندن . از حضرت مولانا رخصت خواست که حضرت چلبی رافرا خواند. فرمود که: «مصلحت باشد از آن که جاذب شیرمعانی از بستان حقایق، حضرت اوست. «کسی ربه دنبال حسام الدین فرستاد و باز سکوت و انتظار... سکوت و انتظار...

ساعتی بعد حضرت حسام الدین با جمعی از اصحاب وارد شد، امیر پروانه برابر دوید و بردست چلبی بوسه هانهاد و دست بر سر اونهاد، همانا حضرت مولانا به شوق آمده از جابر خواست که: «مرحبا جان من، ایمان من، جنید من، نور من، مخدوم من، محبوب من، معشوق اولیا» چلبی دم به دم سرمی نهاد و یاران نعره هاسمی زدند، غلغله ای برپا شده بود.

همچنان چلبی در صحن سرا بنشست. گویی آنهمه عشق و محبت و احترام و تعظیم و تکریم که از جانب بزرگمردی چون مولانا نثار شده بود، تمام یاری او را چنان گرفته بود که توان گامی پیش نهادن نداشت.

همچنان که او در میان صحن سرا بنشست، حضرت مولانا نیز در کنار او در میان صحن جلوس فرمود. دیگران هم به تبعیت از مولانا، از صدر هابه زیر آمده و گرداگرد آنان بنشستند. آنچنان که صدرها خالی ماند و صحن سرا، صدر صدور گشت. همه و ولوله ای در گرفته بود...

عده با ایما و اشاره چشم و ابرو، رمز و کنایه ای رد و بدل میکردند و بعضی از حسودان زیر لب میگفتند: «که مردی بزرگ چرا زیر نشیند و مجمع را برهم زند؟ چه مقام هریک معین است .

ناگاه مولانا در جوش آمد، از جای برخاست و با صدایی رسافرمود: «ایشان راجه تفاوت کند بالا یا زیر؟» بقیه ماجرا و سخنانی که مولانا فی البدها بر حسب ماقوع ایراد فرمود، فصلی از فصول کتاب شریف «فیه مافیه» را تشکیل میدهد که تحت عنوان زیر آورده شده است . (ستون دوم)

## تقدیر از پژوهشگر برتر داکتر شهرانی

در جشنواره بین المللی فارابی و موسسه مطالعات فرهنگی واجتماعی

نامه رئیس دبیرخانه جشنواره عنوانی جناب

پروفیسر عنایت الله شهرانی:



جناب آقای پروفیسر عنایت الله شهرانی! با سلام واحترام، مفتخرم به اطلاع برسانم که جنابعالی در دوازدهمین جشنواره بین المللی فارابی بعنوان پژوهشگر برتر در بخش «ایران شناسی و اسلام شناسی» برگزیده شده اید. به پاس تقدیر از زحمات شما در این حوزه یک لوح افتخار از طرف رئیس جمهور ایران، یک لوح افتخار از طرف کمسیون ملی یونسکو در ایران، یک لوح افتخار از طرف دفتر منطقه ای آیسکود ایران و هم چنین هدایای فرهنگی و صنایع دستی ایرانی تقدیم حضورتان خواهد شد.

صمیمانه از شما دعوت میشود تا در مراسم اختتامیه دوازدهمین جشنواره بین المللی فارابی که اواخر تیرماه سال ۱۴۰۰ هش (اواسط جولای ۲۰۲۱م) به صورت مجازی برگزار خواهد شد، شرکت نمایید. باتوجه به اینکه به دلیل پاندمی کرونا مراسم بصورت آنلاین برگزار خواهد شد، الواح و هدایای مذکور از طریق سفارت جمهوری اسلامی افغانستان در تهران یا به صورت مستقیم (پستی) تقدیم شما خواهد شد.

همکاران جریده امید تبریک ها و تهنیت های صمیمانه خویش را به مناسبت کسب اینهمه افتخارات فرهنگی، به دوست و همکار پژوهنده و فرهیخته جناب داکتر شهرانی به ایشان تقدیم میکنند و توفیقات بیشترشان را آرزو میکنند. اداره

داکتر عنایت الله شهرانی

اندیانا

## در سوگ فرهنگیان کشور

درین یک ماه اخیر سه بزرگمرد افغانستان به دار بقاء شتافتند :

علامه کشورمان استاد عبداللہ سمندر غوریانی، فیلسوف معاصر افغانستان، که از شصت سال به اینطرف رابطه علمی و برادری داشتیم، خصوصا در بیست و پنج سال اخیر همسایه دربه دیوار در شهرک بلومنگتن اندیانا بودیم، که روزها شبها راباتصره های علمی، ادبی و فلسفی سپری می کردیم .

استاد حسین یمین از براننده ترین پروفیسران برجسته دانشگاه کابل، که باهم دوستی های دیرینه داشتیم و در یک دستگاه آکادمیک به خدمت تدریس مصروف بودیم .

و سوم جناب قوماندان نوری، که درباره شان، بروزیزر گذاشت و کارکردهای آنها، مقاله افرستاده بودم که در جریده وزین امید بطبع رسیده بود. از یادگار های عمده آن مرحومی خبرنگار نخبه جناب آقای مشتاق احمد کریم نوری می باشد.

در حالیکه روح مبارک هریک شان را شاد و جنت رضوان را برای هریک از درگاه خداوند طلب مینمایم، به بازماندگان شان صبر جمیل می خواهم .

## در سوگ ملکه قلب ها

بزرگترین هنرمند آوازخوان شرق لئا منگیشکر باملکه قلبها در سن نود و دو سالگی جهان فانی را وداع گفت. این هنرمند بزرگ و بی نظیر تاریخ معاصر، بیش از پنجاه هزار خواندن دارد، تنهایی محمدر فیع چهارونیم هزار آهنگ دوگانه دارد. لتای بزرگ و محبوب ترین هنرمند هندوستان از هفتادسال به این طرف گوشهای مردم افغانستان را با صدای دل انگیز، افسونگر و سحر آفرینش نوازش داده است.

به پاس خدمات این اعجوبه جهان هنر، دهسال پیش کتابی بنام «لتا منگیشکر» با ملکه قلبها در ۱۲۴ صفحه نوشتیم و در سال ۱۳۹۱ ه ش در کابل به طبع رسید، که کتاب مذکور در بمبئی به خدمتش رسانیده شد. روحش شاد . داکتر عنایت الله شهرانی، ۶ فیبروری ۲۰۲۲

\*\*\*\*\*

## «کاشکی تهنی بودندی از آن هدیانات»

«ثقیلی» آمد بالای دست «بزرگی» نشست

فرمود ایشان راجه تفاوت کند؟ بالا یا زیر؟ چراغند. چراغ اگر بالایی طلب کند برای خود طلب نکند. غرض او منفعت دیگران باشد تا ایشان از نور او حظ یابند و گرنه هر جا که چراغ باشد، خواه زیر، خواه بالا، او چراغ است که آفتاب ابدی است.

ایشان اگر جاه و بلندی دنیا طلبند، غرضشان آن باشد که خلق را از آن نظر نیست که بلندی ایشان را ببینند. ایشان می خواهند که به دام دنیا، اهل صید کنند تا به آن بلندی دیگر راه یابند و در دام آخرت افتند. چنانکه مصطفی (صلوای الله) مکه و بلاد را برای آن نمی گرفت که او محتاج بود، برای آن می گرفت تا همه را زندگی بخشد و روشنی کرامت کند . (ستون سوم)

پروفیسر داکتر عبدالواسع لطیفی اسکندریه، ورجینی

## صفحات از زندگیم در وصلت و در هجرت (۱۰)

پس از یکماه مادرم روبه بهبودی رفت، شخی و کرخنتی فکین او تدریجاً برطرف شد و روزیکه من و خواهرم اورا صحتمند و خوشحال در وقت صرف غذا در کنار دسترخوان دیدیم، خیال کردیم صبحگاه عیداست و خانه ما و طبیعت را رنگ آمیزی کرده اند و همه کس و همه جا غرق شادی و شادمانی است. مانند پرنده که از تنگنای قفس آزاد شده و در پهنای آسمانها پر و بال کشوده باشد، نشاط و سرور زندگی را باز یافتیم و به درگاه خداوند شفا بخش شکر گزار شدیم .

متعاقباً ماما می که به مادرم یگانه خواهر خود لطف و محبت فراوان داشت ، او را باما یکجابرای چندروز به خانه خود دعوت کرد. در همین خانه محقر بود که با اندوه های دیگر زندگی آشنا شدم . منزل کراییی ماما می در یک مجله بی بضاعت کابل در جوار یک قبرستان که بنام (بالاجوی) مسمابود قرارداداشت. در مدت چند روزی که آنجا بودم در کنار پنجره منزل دوم که بطرف زمین خشک و بی آب و درخت قبرستان باز میشد مینشستم و به شهر خفتگان و منظره خاموش و غم انگیز قبرها خیره می شدم، از مشاهده سنگهای مختلف شکل ایستاده و خارها و بته های خودرو اشباح و هیولاهای خیالی در ذهنم خطور می کرد و در اندیشه های دور و تاریکی فرو میرفتم. صحنه های اندوه بار این قبرستان تاثیرات عمیق رادر روحیاتم بجا میگذاشت و با قصه هایی که از نکیر و منکر و بهشت و دوزخ شنیده بودم دست بهم داده و انتباهات و تعبیرات خاص در ذهنم تولید میکرد.

گاهی قبر کسی را امیدیدم که باضربه های پی در پی بیل و کلند سینه سخت زمین را میشکافد و در بیدل آن مرزیده دار میگردد تا غذا و مایحتاج فامیل خود را مهیا سازد. گاهی کودکان و فقرا را امیدیدم که بعد از دفن میت برای گرفتن پول اسقاط به یکسو هجوم می آورند و با تلاش زیاد از همدیگر سبقت میجویند.

یکروز هم در یک غروب غم انگیز مادری را دیدم که بر مزار طفل جگر گوشه خود زانوزده و خاک سیاه آنرا میبوسد و گریه و ناله و فریاد میکرد، از همان ناله و فریادی که مدتهاست در اکثر شهرها و قصبات و کوچه ها و کلبه ها و ویرانه های وطن جنگزده و مصیبت رسیده ما ظنین اندوه باری اندازد و هزاران مادر داغ دیده از فقدان جگر گوشه هایشان باین شعراستادخلیلی گریه و همنوایی دارند :

ای گمشده ز آشیان مادر ای کودک بی نوای ناشاد

افسرده جو گل زسردی دی لرزنده جو شمع در دم باد

از صرصر بیکسی فسردی ای گلشن آرزوی مادر

چون اشک بخاک ریختی حیف ای گوهر آبروی مادر

بهر حال، تاثیرات و انتباهات عمیق آن صحنه های غم انگیز هیچگاه از خاطر م زوده نشده است، و گاهگاهی چه در خواب و چه در بیداری شمه از آن رویداد هادر ذهنم خطور می کند، و اکثراً باخود میگویم روح کسانی که درمشقات زندگی از جهان چشم پوشیده اند، پس از مردم به وادی آرامش و صلح و صفا در پناه خداوند خواهند رفت . با همین ذهنیت بود که قطعه شعر (ویکتور لوی) شاعر فرانسوی را زیر عنوان (اروا آرام) چنین ترجمه کردم :

ای مردگان بشر آرام بخوایید، بخوایید در آغوش خاموشی و در آن آرامگاهی که دردها و شکنجه های شمانیز بخواب رفته است . بخوایید در راحت جسم و در بیخبری های ضمیر، در بی تمام خستگی ها و فرسودگی هایبیکه در روی زمین وداع گفتید .

مژگان سنگین شما دیگر بروی جهان پرماجرا باز نخواهد شد. دیدید که زندگی ناپایدار بود و همه چیز در یک شب و یادر یک روز و در یک لحظه خاتمه یافت. فردا سبزه ها و گللهای وحشی روی خاکهای شمامی روید و نسیم به نوازش آنها می آید . دیگر برای شما بدبختی هابه پایان رسیده و دردها و زجرتهارا احساس نمیکنید. با دها با ملایمت روی آرامگاه شما رابوسه خواهد زد و با دسته گلی که عزیزان روی مزارتان گذاشته اند، بازی خواهد کرد.

آفتاب صبحگاه بر سر خاک تان نور افشانی خواهد کرد و مرغان رقص کنان بر فراز تان ترانه خواهند خواند. جسم تان بخواب رفت و روح تان در پناه خالق مقدس . راحت و صلح و صفا بر شما که دیگر در قطار ما نیستید !!

\*\*\*\*\*

ایشان خلق رامی فریبند تا عطا بخشند نه برای آن که از ایشان چیزی برند. شخصی که دام نهد و مرغان رابه مکر به دام اندازد تا ایشان را بخورند یا بفروشند، آن رامکر گویند. اما اگر پادشاهی دام نهد تا با از اجمی بی قیمت را که از گوهر خود خبر ندارد، بگیرد و دست آموز ساعد خود گرداند تا مشرف و مؤذنب گردد، این را مکرنگوینند. اگر چه صورت مکر است، این را عین راستی و عطا و بخشش و مرده زنده کردن و سنگ را لعل گردانیدن و منی مرده را، آدمی ساختن دانند و افزون از این، اگر آن باز راعلم بودی که او را چرامی گیرند، محتاج دانه نبودی، به جان و دل جوان دام بودی و به دست شاه پُران شدی . (صفحه ۸)



## روز شمار جنگ‌های داخلی و دیگر واقعات افغانستان در دوران حکومت وحدت ملی (سپتامبر ۲۰۱۴ – ۱۱ مارچ ۲۰۲۰ م) (میزان ۱۳۹۳ – ۲۱ حوت ۱۳۹۸ ش)

تنظیم روزشمارها در توالی زمان و ثبت رویدادها در کشور به پژوهندگان و ارباب تحقیق، در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدد بسیار می رساند، و با در دسترس گذاشتن روز و ماه و سال و وقایع، کاراھل پژوهش را سهولت می بخشد. این کار به جستجو و کاوش بسیار نیاز دارد و خالی از دردسر نیست.

خوشبختانه آقای محمد عظیم امینی به گردآوری تاریخ حوادث و رویدادهای افغانستان در طول شش سال حکومت به نام وحدت ملی، که اشرف غنی و عبدالله عبدالله اقتدار سیاسی را میان خود تقسیم کرده بودند، اهتمام بلیغ بکار برده است. این دورهٔ شش سالهٔ حکومت بدفرجام اشرف غنی و عبدالله را که در نهایت به فرار نامردانهٔ رئیس جمهور تقلبی و تباهی افغانستان و سقوط همه نهاد‌های مدنی و نابودی و فروریختگی اردوی ملی و متلاشی شدن همه زمینه های مثبت زندگانی مردم انجامید و نقش خیانت و تقلب و زدزدی و سرقت دارایی های عامه به وسیلهٔ غنی و یاران فاسد او و زد و بند‌های این پیر مرد شیاد و حقیر با گروه تروریست حقانی هارا به عنوان حکومت سپهکاران خیانت پیشه که نظیرش در هیچ دوره ای از تاریخ پر حادثهٔ کشور ما دیده نشده، ثبت دفتر زمانه کرد.

زحمات آقای حاجی محمد عظیم امینی را در تدوین این اثر به دیدهٔ قدر می نگریم و امیدواریم فرصت لازم مساعدتش کند که رویدادهای نخستین دورهٔ حکومت پس از اجلاس بن در سال ۲۰۰۱ را نیز گردآوری نماید، تا مرحلهٔ نوین زندگی مردم افغانستان پس از سقوط حکومت طالبان و کارنامهٔ حکومت و دولت‌مردان آن سال‌ها نیز روزشمارانه در معرض استفادهٔ ارباب پژوهش قرار گیرد، و سیر تاریخ و احوالات و رویدادهای بیست سال گذشته که از سال ۲۰۰۲ تا اگست ۲۰۲۱ را در بر می گیرد، نیز کامل گردد. (اداره)

\*\*\*\*\*

همیشه تا ابد برای او آن را ثبت کرده‌ است. می‌دانید چه فرمود؟ فرمود: یعنی ای عمرو! از کی مردم را برده گرفته‌اید و حال آن که مادرانشان آنها را آزاد زاینده‌اند؟

پس ما مسلمانها باید در هر زمان و مکان باید از شیطان دوری بجوییم و با هیچ کسی که آزاری به ما نمی رساند و نیز فرزندان همین مرزو بوم هستند و در درازنای تاریخ شما یک هندو باور و یا سیکه باور را پیدا نه می‌توانید که به میهنش خیانتی کرده باشد. اجنت های از هند می آمدگی را افغانستانی نمیتوان گفت.

امیدواریم دانشمندان مسلمان امام های مساجد و یکعده تیکه داران دین به مردم موضوع آزار و اذیت به غیر مسلمان با کتاب و بی کتاب را بصورت نیک و با شیوه زبان مردمی بفهمانند که ما، در هر کار کرد خورد و بزرگ خویش، نزد خدای کریم، در هر دو دنیا، مسئول هستیم و باید و شاید از جهالت یعنی بیدانشی پرهیزیم و پرهیزگاری پیشه نماییم. و به هیچ بنده خدای کریم اهانت و زحمت و مشقت و ستم و فحاشی روانداریم. اگر مسلمانیم؛ در غیر آن: و اذا خطاب هم الجاهلون قالو سلاما. /

\*\*\*\*\*

### دقیقی بلخی

## لبان آبدار

شب سیاه بدن زلفکان تو ماند

سپید روز به پاکی رخان تو ماند

عقیق را چو بسایند نیک سوده گران

که آبدار بود، با لبان تو ماند

به بوستان ملوکان هزار گشتم بیش

گل شکفته بر خسارگان تو ماند

دو چشم آهو و دو نرگس شکفته ببار

درست و راست بدن چشمان تو ماند

کمان بابلیان دیدم و طرازی تیر

که بر کشیده شود به ابروان تو ماند

ترا به سروین بالا قیاس نتوان کرد

که سرور ا قد و بالا بدن تو ماند

خداوند جل علاشاءنه به پیامبر برگزیده اش می فرماید که ما اگر میخواستیم همه را یکتا پرست و مسلمان می آفریدیم و حاجت به فرستادن اینهمه پیامبر و نبی نبود! اما چون خدای کریم در همه حال و احوال بنده را امتحان می کند که آیا این بنده های که همه نعمات و خوشیها و زندگی را برایشان ارزانی نموده باهم چگونه رفتار و گذاره می نمایند؛ چون خدای کریم با ملائکه های خویش جدل نمود و به آنها گفت که اینها بهترین ها است با دادن نفس که شما ملائکه ها ندارید؛ در روی زمین خلیفه های مند.

در پهلوی این شرافت، هیچ کسی خود را بهتر و بیشتر و برتر از دیگر باید نداند و بهترین مسلمان به گفته ای پیامبر بزرگوار ما آنست که خلق الله از دست و زبانش در امان باشد. صحیح بخاری.

در صحیح بخاری شریف میخوانیم که روزی پیامبر بزرگوار ما با یاران خود جای نشسته بودند و متوجه شدند که جنازه ای را مردم بدوش دارند و بسوی قبرستان روانند. فخر بنی آدم حضرت محمد صلی الله علیه و سلم به مجرد افتادن چشم مبارک شان به آن جنازه روان به پا ایستادند و تا از چشم شان نهان گشت همچنان ایستاده بودند. وقتی که دوباره نشستند یکی از یارانش عرض کرد: یا محمد جانم فدایت شمانمی دانستید که این جنازهٔ یهودی بود؟ آنحضرت (ص) فرمودند: بلی می دانستم اما او نیز مانند تو یک انسان بود!

در آیت شریف ۷۰ سوره اسراء خواندیم که خدای کریم فرموده: (ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم)، و نیز در اولین قانون اساسی، که در زمان حضرت رسول کریم در مدینه منوره به دیکته خودشان نوشته شده، حقوق جان و مال و شرف همه مردم مسلمان و غیر مسلمان و دگر باور و دگراندیش تضمین شده بود. رجوع کنید به ص (۳۱۸) کتاب زندگانی محمد. نوشته دکتر محمد حسین هیکل. ترجمه ابوالقاسم پاینده چاپ انتشارات سوره . تهران ۱۳۷۵ .

از دیدگاه حضرت عمر رضی الله عنه همه مردم آزادند ... در ایامی که عمرو بن العاص از طرف حضرت عمر (رض) والی و فرمانروای سرزمین مصر بود، در یکی از میدانهای عمومی شهری که مقر فرمانروایی اش بود مسابقه اسب دونانی برگزار شد. سوارکاران ماهر مسیحی مصری و مسلمین عرب در این مسابقه شرکت کردند. یکی از اسبهای که برای مسابقه به میدان آورده شده بود، اسب اصیل محمد فرزند عمرو بن العاص بوده که به وسیله یکی از سوارکاران عرب وارد میدان مسابقه شده بود، چون یکی از اسبها که شباهت زیادی به اسب محمد بن عمرو داشت، درست در گرماگرم مسابقه از بقیه اسبها سبقت گرفته، جلو می افتد، محمد بن عمرو به تصور اینکه اسبش برنده شده از فرط خوشحالی از جای برخاسته می گوید فرسی و رب الکعبه. یعنی قسم به پروردگار کعبه این اسب من است. «ولی همین که اسب نزدیک می آید معلوم می شود آن اسب، اسب یکی از مسیحیان قبطی است» [۱]. و چشم محمد بن عمرو خطا دیده لذا از شدت شرمندگی و برای فرونشاندن خشمش قبطی صاحب اسب برنده مسابقه را با تازیانه می زند و می گوید: بگير اين ضربتها را از دست فرزند اشراف.

قبطی که از اعیان و اشراف شهر بوده نمی توانسته زشتی این ضربتها را که در انظار مردم خورده فراموش کند، لذا راه مدینه در پیش می گیرد و شکایتش را به حضور عمر رضی الله عنه عرض می نماید.

انس بن مالک راوی داستان می گوید: حضرت عمر شکایت قبطی را استماع نمود و سپس فرمود (اینجا بمان)، چندی نگذشت که فهمیدیم حضرت عمر فرمان داده تا عمرو بن العاص و فرزندش محمد از مصر به مدینه آیند، چون ناگهان دیدیم که هر دو آمدند. حضرت عمر آنها را به مجلس خلافت احضار و قبطی شاکی را نیز در آنجا حاضر فرمود، تا مجدداً شکایتش را در حضور آنها تکرار نماید.

چون محمد بن عمرو در حضور مردم به جرم خود اقرار نمود، آن حضرت تازیانه ای را که در دست داشت به دست قبطی داد و فرمود این تو و این فرزند اشراف که تو را بی تقصیر زد، اینک او را با دست خود با این تازیانه بزنجاصت را از او بگیر.

قبطی تازیانه را برداشت و در حضور خلیفه و اهل مجلس، محمد بن عمرو را زیر ضربت تازیانه گرفت. حضرت عمر می فرمود: (بزنج فرزند اشراف را) سپس فرمود: (بزنج بر فرق سر خود عمرو بن العاص؛ چه فرزندش تو را بدین سبب زد که او در آنجا قدرت دارد) عمرو بن العاص عرض کرد (یا امیرالمؤمنین! عفو بفرما؛ حقت را گرفتی و وجدانت را از این بابت راحت فرمودی). قبطی نیز عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! کسی را که مرا زده بود، زدم. حضرت عمر فرمود: به خدا قسم اگر این فرمانروا را می زدی تو را باز نمی داشتم تا آن که خودت دست از دزنت باز می داشتی، حضرت عمر: پس از آن رو به عمرو بن العاص کرد و حقیقتی گفت که تاریخ بشریت از زبان کسی جز عمر ننشیده و

محمد طاهای کوشان فریمونت ، کالیفورنیا

### درسی به طالبان

آزردن و رنجه نمودن خلق الله از دیدگاه قرآن شریف: (در مخفل عروسی دختر احمد خان سمنگانی حمله ی انتحاری صورت گرفت و در نتیجه پیش از بیست تن از کارمندان عالی رتبه ولایت سمنگان، آقای احمد خان و شماری دیگر از اشتراک کننده ها جام شهادت نوشیدند. در میان شهدا، آقای پریت پال سنگه پال، یکی از فعالان جامعه هندو باوران و سیکه های افغانستان نیز شامل بود. وی بر اساس رابطه صمیمانه و دوستانه ای که با آقای احمدخان سمنگانی داشت، در این محفل دعوت شده بود. میت شهید پریت پال سنگه پال را به کابل آوردند و به تاریخ شانزدهم ماه جولای در محل آتشسپاری میت هندوان و سیکه های کابل در قلعه چه به محل را ترک گفتند، بنابر تحریک آقای ذبیح الله و کیل گذر، چند نفر با پرتاب سنگ و توت های خشت به اهانت متوفا و محل آتشسپاری دست ورزید.)

زشت ترین و پست ترین کارها آزار و رنجه کردن انسان یا خلیفهٔ خداداد زمین است؛ حال این فرزند آدم چه باورمند به دین و آیینی باشد یا نباشد، چون باور و عقیده از نگاه قرآن شریف اختیاری و به رضا و رغبت خود شخص ارتباط دارد. (لااکراه فی الدین).

خدای کریم رب العالمین، یعنی هر چه در دنیا و مافیها هست نموده، خداوند همه است که به حبیب خود حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه و سلم دستور فرموده: ( وَ لَوْ شَاءَ اللهُ مَا أَشْرَكُوا وَ مَا جَعَلْتُكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ) ۱۰۷) و اگر خدای میخواست که با او شریک نگیرند، هرگز نفرفتندی، و ترا هم بر آنها گوشوان قرار ندادیم که جلو شرک آنها را بگیري، و کار آنها هم به تو سپرده نیست. آ ۱۰۷ س ۶ انعام. جزو هفتم.)

(وَ لَا تَسُبُّواَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّواَ اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَلَيْهِمْ نَمٌ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸) کسانی را که جز خدا را می پرستند دشنام مدهید، تا ایشان خدای یکتا را از روی دشمنی بدون دانش و معرفت دشنام دهند! اینگونه ما برای هر امتی کردارشان را برآرستیم. پس آنگاه باز گشت ایشان بسوی خدای ایشان است تا آگاه کند آنانرا به کارهای که می کردند. آ (۱۰۸) س ۶ انعام. جزو هفتم.)

(وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَإَعْلَىٰ النَّاسِ أُمَّةٌ وَ أَحَدَةٌ وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸) اگر خدای تو می خواست همه مردم را یک دین و یک دل و یک راه می کرد، ولی همیشه جداجدا خواهند بود، و با

هم اختلاف دارند (در عقیده و مذهب و اندیشه و خرد). (وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَإَعْلَاهُمْ أُمَّةٌ وَ أَحَدَةٌ وَ لَكِن يَدْخُلُ مِنَ يَسَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُ لَأَمٌ مِّن وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٌ (۸) اگر خداوند می خواست همه مردم را یک گروه می آفرید، لیکن هر که را که خواهد در بخشایش خویش در می آورد، و (بدان که) ستم کاران ناگروندگان هیچ یار و فریاد رسی ندارند. آ ۸ س ۴۲ شوری جزویست و هفتم)

( وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَيْسِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۷۰) ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آنها را در دشت و در دریا برداشتیم و از پاکی ها و خوشی های روزگار به آنها روزی دادیم و آنانرا بر بسیاری از آفریدگان ما برتری دادیم. آ (۷۰) س ۱۷ اسراء. جزو پانزدهم.)

خدای یگانه و یکتای بلند جایگاه و خدای همه بابای ما را آدم علیه سلام را آفرید و به ملائکه هایش دستور سجده به آدم داد و این شرافت را نصیب هیچ ملائکه یا فرشته های مقرب خود نکرده و حتی که انسان را در روی زمین خلیفه یعنی جانشین خود فرموده و مقرر نموده است.

ما ایمان داریم که از اول آفرینش، بیش از یکصد و پنجاه هزار پیامبر و نبی، دانه دانه با صحایف و خورد و بزرگ و نیز کتابهای زبور و تورات و انجیل، که با فرستادن قرآن شریف و کریم بهمه مردم دنیا، چراکه جوهر و در و گهر همه صحایف و جزوه ها و کتابهای خداوند درین کتاب یکجاشده و از هیچ خشک و تری نیست که در آن خبر نباشد. و بنا بر این خداوند کریم قرآن شریف و کریم را ام الکتاب یعنی مادر کتابها خوانده. و تنها و فقط برای پند و اندرز و گفتار و راهنمایی و راهگشایی بندگان پیامبران خود را مامور گردانید.

خداوند به پیامبرش خلق نیکو ارزانی فرموده و امت آنحضرت (ص) نیز باید دارای خلق نیکو باشند و با همه کس و همه مردم درخوشی و غم، شریک باشیم؛ چون خدای کریم فرموده که این خوشی ها و نعمات را برای بندگان آفریده و و هریک خلیفه خدا در روی زمین است. اینکه در آخرت خدای کریم از کی خوش خواهد بود بسته به کارکرد و رویه ای ما درین دنیا است.

ما درین مقال مجال بحث گسترده را نداریم، تنها به همین یک مطلب اشاره کوتاه می اندازیم :

## فریاد دریای کنر فریاد ما است

فریاد دریای کنر (رودخانه) فریاد ما است ولی گوش ها کر اند. خواستم انگشت مختصر بر مساله آب با همسایه شرقی داشته باشم؛ بنظرم خیلی دلچسپ و خیلی ها حساس است.

۱- همه آب از همسایه:

۱- در این مورد حقایه در کار نیست و در مدت پنجهزار سال تاریخ ما و بخصوص درهفتادسال همه دریارچه حق خودوجه حق ما نوش جان میکند.

۲- ۱ تاهنوز ازحقابه هیچ رهبری بطور رسمی حتی یادی نکرده اند.

۳- ۱ دریای کنر که دنباله دریای کابل و دریای پنجشیر است، مانند یک ارزش استراتژیکی پنداشته می شود ولی تنها سردار محمد داوود به درک این اهمیت پی برد و داکتر نجیب الله در صدد استفاده از ارزش استراتژیک بود.

در این مورد تنها روی دریای کنر انگشت خواهیم گذاشت،

ما بی آب می شویم و همسایه شرقی سرفراز.

۲- وضع حرکت دریا و اهمیت آن برای همسایه شرقی:

۱- ۲دریای کابل(چمچه مست، لوگر)، دریای پنجشیر(دریای شتل، سالنگ)و دریای کنربکام او فرومیرودوهربندش درراه رفتنش رنگ سرخ خون میبارد، آب دریای کنر از دید همسایه:

۲- ۲ دریای کنر مانند یک ارزش حیاتی و استراتژیک پاکستان در استراتژی این کشور تعریف شده است.

۳- ۲خط دیورندودریای کنرباهمیت مساوی خط سرخ منطقی و حیاتی که منافع ملی وثبات فیزیکی واقتصادی پاکستان رانمایش میدهدپنداشته میشود.

۴- ۲ همسایه هیچگاهی تا هنوز حاضر نشده اند تا روی این دو نه با افغانستان و نه با هیچ مرجع دیگر به مذاکره بنشیند.

۵- ۲ همسایه شرقی لابی گری فراوان و بسیار مثمر را در این مورد در سطح جهان انجام داده است

۳- حرکات دولت افغانستان در مورد مدیریت دریای کنر:

۱- ۳ محمد داوود خان در ایام صدارت اش با داشتن چنین مفکوره اجازه یا موقع آنرا نیافت تا در این مورد گام بردارد.

۲- ۳داوودخان بعدازریاست جمهوری اول گامهای محکم برداشت.

۳- ۳سروی وبرنامه ریزی بندآب روی دریای کنرویدست گرفته می شود.

۴- ۳ برای ساخت و بند آب ۷۰قربه زیر آب میرفت تا بزرگترین بند برق و آب گردان ساخته شود و انقلاب سبز در سرق کشور طوفانی گردد.

۵- ۳ سران قومی کنر به کابل دعوت می شوند.

۶- ۳ سردار سه وریانت را برای سران قوم که خانه ها و یازمین های آنان زیر آب می شود پیشنهاد می کند :- قیمت خانه ها و زمین آنان مطابق بلندترین قیمتهاپرداخته میشود.- به جای دیگر کنرطبق دلخواه شان به آنان زمین داده میشود.- به ولایات دیگر طبق خواست آنان زمین داده می شود.

۴- عکس العمل مردم کنر:

خطاب به محمد داوود رئیس جمهور در ارگ کابل:

۱- ۴ ما بااحترام که بدولت داریم میگذاریم تا بند کنر ساخته شود؛ ولی ما در خانه های خودمی مانیم بگذاریدغرق شویم ولی خانه هاراترک نخواهیم کرد.

۲- ۴محمدداوودخان در سال ۱۳۵۶ به پاکستان سفرمیکند ومعهاده لاهور را به امضا می رساند، در مورد آب کنرخواهش شخصی ذوالفقار علی بوتو را ظاهرا می پذیرد در حالیکه اصل مسله مخالفت مردم کنر بود. (منبع: سردار محمد حیدر خان وزیر دفاع آنوقت).

۳- ۴ تطبیق برنامه به دستور داوود خان الی راضی شدن مردمیکه زمین و خانه های ایشان را با ساخت بند از دست می دهند به تعویق می افتاد.

۴- ۴ این بند قرار بود با سرعت در ظرف سه سال تکمیل گردد و حقایه پاکستان تعیین شود.

۵- ۴ یکسال بعد دولت محمد داوودخان در ۷ ثور ۱۳۵۷ سرنگون گردید وکنر رابرای جلوگیری ازساخت بند به آتش کشیدند.

۵- اقدام بعد از جمهوریت: درسال ۲۰۱۵ در مجلس مشورتی وزارت معادن و صنایع که من نیز عضوان بودم و جناب انجنیر صباح وزیر آن وزارت بود، معین وزارت انرژی و آب حرف جالب گفتندخواستیم از دریای کابل کانال را به اطراف شهر جلال آبادبکشیم (بخصوص برای آبیاری چپرهار)که هیچ تغییرآبی درظرفیت دریا بوجودنمیآمد. برنامه ترتیب شد برای تمویل آن با دوستان امریکایی در تماس شدیم؛ گفتند:-لطف کنید قناعت دوستان پاکستانی را بدست آورید-گفتیم شمایپول بدیدبعداماجرات خواهیم کرد.- امریکایی هاگفتند ماپول داده نمی توانیم پیرهن تان را بفروشید و پول کانال را بدست آورید، (منبع: داکتررسولی معین وزارت انرژی و آب)(صفحهٔ ۷)

سیدآقا هنری

هامبورگ ، آلمان

### فرار مفرز های دانشمند (۳)

غربیها نمیخواهندحکومت قوی اسلامی بوجود آید فرانسوی ها به نمایندگی اروپا باربارگفته اند ما درتاحدایهء اروپا هیچ حکومت اسلامی را نمی خواهیم چنانچه ترکیه درناتو از ۵۷ سال به این طرف عضویت دارد امداربازار مشترک عضویتش را نمی پذیرند. مردمان مجاهد ما تاج جهاد را بر فرق خود نهادند، صد بار فرق سرشان خون آلود شد اما خم نشد.

نیویارک تایمز اززبان یک مقام عالی رتبه وزارت دفاع امریکا نوشت: هدف امریکا غیرمذهبی ساختن افغانستان است!

«جنرال چهارستارهٔ امریکا ویسلی کالرک Westley Clarkکه رئیس نیروهای ناتو نیز بود، در سال ۲۰۰۷ اقرار نمود که امریکا بعد از حادثهٔ یازدهم سپتمبر پلان تسخیر ۷ مملکت شامل عراق، سوریه، لبنان، لیبیا، سومالیا، سودان و ایران را گرفت. «عمل امریکا به حیث سرکردهٔ تمدن مدرن غربی نشان دهنده‌ی صدق این پلان شوم است، اما جالب اینجاست که تنها پس ازاعلان امریکا بعضی مسلمانان آگاه شدند که جهاد دراین ممالک فرض بوده و حکام آن کافرند،گویاین مسلمانان ازقرآن نه بلکه از پنتاگون فتوا می‌گیرند.امریکا توانست با استفاده ازهمین احمق‌ها، عراق، لیبیا، سوریه و غیره را به خاک و خون بکشد. امروز نوبت ایران است و خیرها حاکی از اینست که مجاهدین پنتاگونی مصروف طرح اعلان جهاد در ایران اند و فردا این مجاهدین به عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و سایر ممالک اسلامی به نوبت حرکت خواهند کرد تا پلان اسرائیل را به اتمام برسانند. ۲۴ مارچ ۲۰۱۷ ترمپ بلندی های گولان جزو خاک سوریه را به صیهونیستها تحفه داد در حالی که نشانی ازاین مجاهدین پنتاگونی را در فلسطین که اولویت نخست است و در برما نمی توان یافت » سایت جاودان،

اما واین برگروزیبرجنگ امریکا این تروریست عیسوی سرفرازانه در کتاب خاطراتش مینویسد: دریک هفته یکصد هزارعسکر عراقی را زنده به گور کردیم. کجاست ملل متحد؟ کجاست امنستی، کجاست حقوق بشر و اوپاما ۳۸ میلیارد دالر به صهیونستها درسال ۲۰۱۶ کمک بالا عوض کرد درحالیکه هنوز هم آنها ناراض نبودند!

صدراعظم صهیونستها گفت از بابت حملهٔ سوریه و عراق در آینده ما ۵۰ سال آرام شدیم. صیهونست های غاصب به پستی بانی ناتو چه جنایتی است که در فلسطین نمی کنند

یکی دیگر از رازهای مخفی تروریستهای عیسوی این بود که متوجه شدند جوانان اروپایی آهسته آهسته حقیقت اسلام را پی می برند؛ باید درنظفه نیست نابود شوند.این چال را که درجیب داشتند، بیرون کشیدند به صورت نامرئی آنها را تشویق به جنگ در دفاع از سوریه وعراق کردند که آنجا بنام داعشی باید کشته شوند، اکثرا جوانان پاک دلی بودند که بدون کدام تعلیم نظامی داخل جنگ شدند. تعداد کشته شدگان شان در سوریه حدود ۷۰۰ نفر و تعداد دیگری از آنها که به دام امریکایی ها افتادند، ۸۰۰ نفر میشد در آن جمله ۵۰ نفر دختران جوانی بودند در روز۲۱/۱۲/۲۰۱۸ رئیس اتحادیهٔ کارگران صنایع آلمان گفت: تا حال ما ۸۵۰ هزار جوان پناهجو را تربیهٔ فنی کرده ایم و همین حال ۲۸۵ هزار جوان ضرورت داریم تا به رشته های مختلف فنی تربیه شوند؛ نمیدانم حکومت ما چرا این جوانان که به بهترین وجه آمادهٔ اجرای وظیفه اند خارج می کنند؟ این خبر را از منابع رسمی باربار در روزنامه های آلمانی دیده ام. همین حالا انگریز یکصد هزار دریور لاری و آلمان شصت هزار بکار دارند نسبت اشد ضرورت از قوای نظامی خود استفاده میکند. چرا نفوس اروپایی ها به خصوص آلمان انگلیس فرانسه ایتالیا و اسپانیا هرسال کمتر میشود چه مردمان شان پیرترمیشودوبه آنها تقاعدی وکمک سوسیال باید پرداخته شود این پول را طبقه جوان باید از راه پرداخت مالیه بپردازد و رقم تولدات هم هرسال کمتر میشود چه طبقه دانشمندان شان آفتدر مصروف کار خود و سرگردانی روزگار اند همچین مردمان طبقهٔ متوسط ونادار وبه خصوص همجنس بازان زن به زن مردبه مرد که طفل ندارند اروپایی ها اکثرا یک طفل دارند، ۱۷ درصد دوظفل .

مقصدشان ازشعله ور کردن جنگ بخصوص فروش اسلحه ویرانی جنگ در برابرمسلمین فرارمغزهای متفکرکه باید به خدمت شان درآید پروفیسرهای ما تکسی رانی و داکتران ما سبزی فروشی و لاری چلانی کنند نوشت.

آغا ترامپ که در باره اش واشنگتن پست نوشت: دونالد ترمپ در ایام ریاست جمهوری اش تا حال ۸ هزار بار دروغ گفته یا بدقولی کرده است.

در قرارداد چهار صد صفحه یی که با مزدورانش طالبان به امضاء رساند سه صد و نود وشش صفحه آنرا کسی ندید که دیگر چه لک بخشی ها به خال دو ابروی آنها کرده و فقط جزئیات چهار صفحه یی آن کنده کنده افشا شده ویکی ازآماده هایش این بود که در اول دوصد حکومتی را تحویل بگیرند وبعدا حکومت مرکزی را به شمول کابل چندین نفر از طالبان بلند رتبه اظهار

## حکیم ناصر خسرو بلخی حجت خراسان

درسه شمارهٔ بیهم پیشین مطالبی راجع به حکیم ناصرخسرو بلخی یمگانی را ازقول جناب داکترسیدمخدوم رهین به خوانندگان پیشکش کردیم. اینک دنبالهٔ آن مباحث مفید وآموزنده، از زبان استاد رهین:

حکیم ناصرخسرو حتی درقصایدی که تشبیب آن را باوصف طبیعت آغازمی کند، باز برمیکردد به سوی موعظه وحکمت و انذار مردمان ازغفلت و کشاندن ایشان بسوی فضایل وحکمت :

دروصف خزان یمگان که زمستان زودرس را درآن ارتفاع کوه های بدخشان به نمایش می گذارد، می گوید :

چون گشت جهان را دگراحوال عیانیش؟

زیرا که بگسترد خزان راز نهانیش

برحسرت شاخ گل در باغ گوا شد

بیچارگی و زردی و گوژی و نوانیش

تا زاغ به باغ اندر بکشاد فصاحت

بربست زبان از طرب ولحن اغانیش ۱

کهسار که چون رزمهٔ ۲باز بُد اکنون

چون بنگری از کلبهٔ نداد ندانیش

شرمنده شد ازبادسحر گلبن عربان

وز آب روان شرمش بربود روانیش

خورشید بیوشید ز غم پیرهن خز

این است همیشه سلب خوب خزانیش

چون زر مزور نگر آن لعل بدخشیش

چون چادر گازر نگر آن بُرد یمانیش

بس باد جهد سرد ز گُه لاجرم اکنون

چون پیر که یادآید ازایام جوانیش

بر مفرش پیروزه به شب شاه حبش ۳ را

از سوده و پاکیزه بلور است اوانیش ۳

پروین به چه ماند به یکی دستهٔ نرگس

یا نسترن تازه که بر سبزه نشانیش

بنگر به ستاره که بتازد سپس دیو

چون زر گدازیده که برقیپرچکانیش ۴

وین چرخ دونده به یکی مرکب مانده

کز کار نیاساید هرچند دوانیش

گیتیت یکی بندهٔ بدخواست مخوانش

زیرا ز تو بدخو بگریزد جو بخوانیش

وبا این بیت می گریزد بسوی مفاهیم حکمی و اندرز وموعظه .

-----

۱- زنان آوازخوان

۲- رزمه: بقرهٔ سوداگران رامیگفتند که برروی آن جامه های رنگین اطلس و ابریشمین را می گذاشتند .

۳- مقصود از شاه حبش منظرهٔ سیاه آسمان در شب است، اوانی به معنی ظرف ها، ظروف . حجت خراسان پیوند خاص عاطفی با منظرهٔ آسمان در شب دارد و آن ناشی از دیدار اوبسوی آسمان در شب، از ارتفاع کوههای شاخ یمگان بدخشان است :

تیره شب و ستاره درو گویی درظلمت است لشکر اسکندر

اشاره به رفتن اسکندر در ظلمات به جستجوی آب زندگانی .

۴- دیو به معنی شیطان و اشاره به آن مقولهٔ معروف که گفته میشد که شیطین چون میخواهند به آسمان بالا روند، فرشتگان باگرزهای آتشین برفرق شان می کوبند . شهاب ثاقب .

۵- مرکب به معنی خر، که امروزهم درافغانستان به همین معنی بکار می رود.

\*\*\*\*\*

داشتند. امریکا باید مارا رسمی بشناسد چه برای ما گفتند شما مرام های مارا به ممالک همسایه های تان و آسیای میانه عملی کنید ما برای شما اسلحه توسط ناتو روان میکنم. آیا ترامپ یا بایدن نمی دانست که این عمل شان توسط این باند وحشی باعث فراراکثریت دانشمندان وبسته شدن دانشگاه ها مکاتب شفاخانه ها وهمه وهمه مراکز اجرایی میشود ؛با سرنوشت ۳۵ ملیون مردمان مظلوم بازی کردند امریکایی ها نامردند .

چه شد که حقیقت را افشا کرد؟ البته درین مدت طبق آرزوی بادارانشان مناطق اسلامی را به خاک تبدیل کردند . ای حضرات یک بار سر بلند کنید که امروز به نام اسلام بتهای بامیان، بندهای آب، باغهای، انگورستان، دانشگاهها، مکاتب، مساجد و موزیم های سوریه و عراق، لیبیا و افغانستان که قدامت تاریخی ۱۰ هزارساله داشتند ونابود می شوند و مردمان چیزفهمشان چطور وطن آبائی شان را ترک و درخدمت بیگانگان در میآیند. اینگونه خرابی را در ممالک اسلامی به خصوص ملک خودمان را گمان نمیبردم. داعش القاعده الفایده طالب چلی وهمهٔ اینها ساخته وبافتهٔ صهیونیزم، غربیها و دشمنان بشریت اند .

(صفحهٔ ۸)

محمدعارف منصوری

لندن

**پسمنظر رقابت تاریخی ابدالیها و غلجاییها**

کاروی، آخرین حکمران دوره استعماری بریتانیا در هند برتانوی، پشتونها را به سه دسته جدا مینماید. که یک دسته آن قبایل غربی کوههای سلیمان، یعنی پشتونهای ساکن در افغانستان است. ابدالیها و غلجاییها دو کتله بزرگ پشتونها اند که هر یک از قبایل فرعی دیگر تشکیل یافته اند.

حیات الله خان در صفحه ۱۲۲ اثر خویش بنام (جغرافیای افغان) مینگارد: (بارکزیایی ها، پوپلزایی ها، نورزایی ها، علیزایی ها، اسحق زایی ها، اچکزایی ها، الکوژیایی ها و سدوزایی ها از عمده ترین شاخه های قبیله ابدالی میباشد که عمدتاً در مناطق جنوب و جنوبغربی افغانستان کنونی زیست مینمایند.) قبیله غلجایی: اقوام هوتک، توخی، ناصری، اندر، تره کی، علی خیل، سلیمان خیل، بریج، جدران، جاجی، کاکر، خوستوال، خوگیانی، صافی، احمدزی، وزیر، اورمر، توری، ترین، شلمانی، لوحانی، و کوندی را در بر میگردد، که بیشتر در ساحات جنوب و جنوبشرق کشور مسکن گزین اند.

الفنستون در کتابش ساختار اجتماعی پشتونها را در گذشته، به کمونی که از خانواده های که با هم مناسبات خویشاوندی دارند و از بزرگ قبیله اطاعت میکنند، تشبیه مینماید.

عده از مؤرخین جریان از بین رفتن نظام کمون اولیه پشتونها و تشکیل طبقات متخاصم فیودالی را با حوادث دوره مغل و امیر تیمور، پیوند میدهند. که بلاثر نبرد های طولانی، میان فرمانروایان مغل و سلاطین دهللی، بنیاد زراعتی جناح راست رود سند و پنجاب غربی، دچار ضعف و ناتوانی گردید. اما مک گریکور، خشک سالی های طولانی و جمع آوری محصولات ناچیز را دلیل عمده گسترش و جابجایی قبایل پشتون قلمداد نموده، استدلال مینماید که عده به حیات مالداري و کوچیگری روی آوردند، و عامل دشمنی و عدم اتحاد شان را نیز در همین نکته میدانند.

غبار مورخ شهیر کشور مینویسد: «سیر نامتوازن اجتماعی، سبب شد که اختلافات شدید بین پشتو زبانان کشور بمیان آید.»

بروایت تاریخ، پیدایش اولین هسته های حکومت فیودالی قبیلوی پشتونها، با شکلگیری حکومت ختک ها، در قرن ۱۶، بوقوع پیوست، که بدلیل داشتن قلمرو اندک، نتوانست به مرکزیت سیاسی قبایل پشتون مبدل شود. بقول ریسنر، دولت عمده فیودالی پشتونهای ابدالی، دو قرن بعدتر از ختکها و یک دهه پس از پشتونهای هوتکی غلجایی، در اواسط قرن ۱۸، توسط احمد شاه ابدالی پدید آمد.

بنابر اسناد تاریخی، موجودیت فرمانروایان صفوی و مغولی در ایران و هند، ساختار فیودالی پشتونها را از بین برد. عبدالاحی حیبی در صفحه ۲۳۵ کتابش مینویسد: (دولت صفوی ودولت تیموری هند را بر سر قندهار نزاع بود، و هر دو دولت بر مسئله جلب پشتیبانی خوانین قبایل پشتون، از هر وسیله ممکن استفاده میکردند.) در آغاز قرن ۱۸، شهر قلات و مکر، نقطه سرحدی بین دولت های صفوی و مغولی قرار داشت، خوانین هر دو قوم از فرمانروایان ایران و هند القاب دریافت مینمودند. در مقابل آنها وظیفه جمع آوری مالیات را بدوش داشتند. آنها نیروهای نظامی را از میان قبایل شان انتخاب نموده و در خدمت دولت های مذکور قرار میدادند و همچنان از مرزها دفاع میکردند.

غبار مینویسد: سران قبایل این مناطق از رقابت دولت های صفوی و بایری استفاده شخصی نموده، گاهی از این طرف و گاهی از آن طرف پول و امتیاز حاصل میکردند، که این کار وسیله تقرب شان به دربار و افزایش ثروت و قدرت شان در میان مردم میگردد. و در رقابت و خصومت شان نیز بی اثر نبود.

در اواسط قرن ۱۷، در سالهای اخیر سلطنت شاه جهان در هند، جنگهای خونین میان پسران وی در گرفت. در اثر خرابی اوضاع داخلی هند، میرویس خان، زعیم غلجایی ها از موقع استفاده نموده، خود را به زمامداران صفوی نزدیک کرد. در سال ۱۷۰۹، میرویس خان قیامی را علیه گرگین زمامدار فارس در قندهار براه انداخت، گرگین را کشت و برای اولین بار، هسته دولت غلجایی ها در مناطق جبال سلیمان بوجود آمد. بعد از میرویس برادرش میرعبدالله زعامت غلجایی ها را بعهد گرفت.

ابدالی ها که در آنوقت، در اطراف هرات مسکن گزین بودند، پرچم مبارزات ضد صفوی را برافراشتند. حکمران هرات که از طرف صفویها مقرر گردیده بود، از هرات فرار نمود. رئیس قبیله ابدالی بعد از آن، جنگ را علیه خوانین غلجایی در قندهار، آغاز نمود. درین جنگ، هیچ طرفی پیروزی قطعی را بدست نیآورد، اما میر عبدالله برادر میرویس خان، تحت فشار غلجایی ها، هیئتی را نزد شاه حسین، پادشاه فارس، فرستاد و انقیاد ایرانی ها را تحت شرایطی پذیرفت. این کار باعث نارضایتی محمود، پسر میرویس، و رؤسای قبایل غلجایی شد. محمود کاکایش را از پا در آورده، زمام امور را بدست گرفت. صفویها که در حالت خوبی نبودند تسلط خود را در قندهار از دست دادند.

محمود شرایط را به نفع خود دیده، با ۲۰ هزار عسکر به فارس لشکر کشی نموده وارد اصفهان شد. مناطق مرکزی ایران را نیز در تحت کنترل خود در آورد. بعد از وی اشرف در سال ۱۷۲۵ جانشین وی شد. وی میر حسین برادر محمود را حاکم اصفهان مقرر نمود و خودش به قندهار مراجعت کرد.

نادر افشار، یکن از افسران صفوی، جهت ساقط کردن تسلط افغانها در فارس، لشکری آماده نموده، مشهد را اشغال نمود. در سال ۱۷۲۹ جانب هرات حرکت نمود. نادر طی چهار جنگ، ابدالی ها را در هرات شکست داده و به اطاعت خود مجبور ساخت. نادر با استفاده از خصومت میان قبایل ابدالی و غلجایی، اشرف را در دامغان شکست داد. اشرف به بلوچستان پناهنده شده، توسط سران بلوچ سرش بریده شده به اصفهان فرستاده شد. نادر در سالهای ۱۷۳۰-۱۷۳۶ جنگهایی را علیه ترکهها براه انداخت. ابدالیها از اشتغال نیروهای فارس علیه ترکهها، استفاده نموده در هرات شورش نمودند. حکمران نادر را از شهر بیرون نمودند و زمام امور را به ذوالفقار خان، برادر کلان احمد شاه، سپردند. نادر بخشی از نیروهایش را به جبهه شرقی، جهت سرکوب ابدالیها فرستاد. هرات بار دیگر، تحت اداره فارس در آمد. ذوالفقار خان با برادرش احمدشاه، جانب قندهار فرار نموده، نزد سلطان حسین شاه غلجایی پناهنده شدند. حسین هردو را به زندان انداخت، و تا زمانیکه در ۱۷۳۸، قندهار توسط نادر تصرف گردید، هر دو در زندان قرار داشتند. نادر قیام ابدالیها را در هرات سرکوب نموده، هزاران خانواده ابدالی را به فارس انتقال داد. بعد ها نادر، در جنگ علیه ترکهها به افغانها اتکاء نمود. در سال ۱۷۳۶ نادر بقصد هند بسمت افغانستان لشکر کشی نمود. بعد از تصرف قندهار، نادر، ذوالفقار خان و احمد شاه ابدالی را از زندان غلجایی ها رها و در خدمت گرفته به مناصب بزرگ ارتقاء داد. نادر، سلطان حسین را به فارس تبعید نموده، بعداً توسط زهر مسموم نمود. سلطان حسین آخرین زعیم غلجایی بود. با سقوط غلجایی ها و قوت گرفتن ابدالی ها، قبایل غلجایی، اجباراً به خراسان مهاجرت نموده، اراضی آنها در قندهار به ملکیت ابدالیها درآمد. در عوض شاه فارس شش هزار خانواده ابدالی را که زمانی به فارس تبعید نموده بود، در قندهار جابجا کرد. احمد خان که با ۱۲ هزار عسکر ابدالی و چهار هزار غلجایی، نادر را بسمت هند همراهی میکرد، توجه خاص شاه را بخود جلب کرد. سرانجام احمد خان بعد از قتل نادر افشار، توسط محمد قلی خان، با پول و گنجینه عظیم بشمول الماس کوه نور با شش هزار عسکر راه قندهار را در پیش گرفت. در ۱۷۴۷ لویه جرگه متشکل از خوانین ابدالی و غلجایی، در مزار شیر سرخ دایر گردید، که با همکاری صابراشاه بحیث پادشاه انتخاب گردید. احمدخان بعد از تاجگذاری، ابدالی را به درانی تبدیل نمود. دولت وی از اشراف و خوانین درانی تشکیل یافته بود.

نخستین قیامها بعد از جلوس وی در سلطنت، توسط قبایل بریجی و ترین غلجایی، در اطراف قندهار اتفاق افتاد که توسط احمد شاه سرکوب گردید.

رومودین مینویسد: (احمدشاه، غلجایی ها را مطیع و فرمانبردار خود ساخت و بالای شان مالیه وضع کرد و امر کرد که غلجایی ها نباید خوانین داشته باشند). احمدشاه بدلیل لشکر کشی های متعدد بسمت هندوستان نیاز به همکاری اقوام غلجایی مستقر در مسیر گذرگاه خیبر، که عمدتاً قبایل مهمند و افریدی بود، داشت. و از آنها در پیشروی بسوی هند استفاده نمود، غلجایی ها نیز از بودن در ترکیب لشکر وی، به غنائم و ثروت عظیم دست یافتند.

بعد از مرگ احمد شاه، پسرش تیمور، با هراس از توطئه و دسایس خوانین ابدالی و غلجایی، نه تنها پایتخت را از قندهار به کابل منتقل نمود بلکه در امور لشکری و کشوری بیشتر به اقوام غیر پشتون اتکاء نمود. یگانه خوانین پشتون که تیمور را همکاری نمودند، پاینده خان بارکزیایی و دلاور خان اسحق زایی بود.

در سال ۱۷۷۰، فیض الله خان صاحب زاده چمکنی و ارسلان خان سرکرده مهمند که هر دو به قوم غلجایی تعلق داشتند، توطئه قتل تیمور را براه انداختند که هردو توسط تیمورکشته شدند.

بعد از مرگ تیمور و نزاع میان فرزندانانش، پسرش شاه زمان به همکاری پاینده خان بارکزیایی بقدرت رسید. در سال ۱۷۹۹، دسیسه قتل شاه زمان و رویکار آمدن برادرش شاه شجاع توسط پاینده خان چیده شد که قبل از اجراء، افشاء شده باعث مرگ پاینده خان گردید. فتح خان پسر پاینده خان با برادرانش به هرات فرار نمود. در همکاری با شاه محمود، برادر شاه زمان، که حاکم هرات و مخالف شاه زمان بود، بسوی قندهار حرکت کرده قندهار را تصرف نموده وارد کابل شد. فتح خان به انتقام پدرش، شاه زمان را کور نموده، به زندان انداخت و شاه محمود را بر تخت نشانند.

در زمان شاه محمود، قبیله غلجایی از نفاق ابدالیها استفاده نموده، دو قشون را آماده نمودند. یکی روانه قندهار و دیگری روانه کابل شد. ابدالیها علیرغم اختلاف داخلی، علیه غلجایی ها متفق شده، قشونی راتحت فرماندهی مختارالدوله بسوی غزنی سوق دادند.

**شرح اشتراک هفته نامه امید****ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰ دالر - یکسال (۸۰) دالر****کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر****سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر**

**Omaid Weekly**  
12286 Ashmont Ct #202  
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.  
Tel/Fax : (703) 491-6321  
Email: mkqawi471@gmail.com

فریاد دریای کتر ...

۶- آب بخشی ارگ با تمامی بیشرمی:

۱- ۶ یک هیات از جانب افغانستان برهبری پیکان معاون اول مجلس که در آن سلطانزوی، مولوی حنفی از هرات، کبیر رنجبر و... (دوره دوم ریاست جمهوری حامد کرزی) و چند تا به مثابه متخصص که من استاد مسعود، سلیمان لایق، اسدالله والوالجی، استاد یون، نیز بودیم.

۲- ۶ موضوع آب را در جلسه اقتصادی خواستم به میان کشم و ضرورت حقابه پاکستان را مطرح کردم، برای پاکستانی ها و تعداد از ما ها بسیار تعجب آور و غیر مترقبه بود.

۳- ۶ بعد از چاشت برای ما گفته شد که از ارگ تلفن آمد که روی این موضوعات نیچید. نکته کلید و اصل گپ:

۱- ارگ مانع حتی بحث روی تعیین حقابه پاکستان نه که مانع شمولیت این موضوع در اجندا شد.

۲- ارگ و حامیان ارگ، دو دسته آب کتر را برای پاکستانی ها بخشیدند.

اساسی ترین حرف: پاکستانیها در اول روشن ساختند بحث روی دو چیز امکان پذیر نبوده و شامل آجندا نمی شود. ۱- دیپورند ۲- آب!

نتیجه: آب ما با سرکشی از ما می گریزد و زمین ما را در دام تشنگی فریاد خشکیدن می دهد، تا دیگران سیراب شوند. همسایه خنده کند تا ارگ بخندد و کابل پنجشیر و لوگر و ننگرهار و کتر گریه کنند. فریاد بخدا کنند. /

\*\*\*\*\*

چون قشون ۲۰ هزار نفری، غلجاییها نظم و دسپلین لازم را نداشت، در اثر حمله شدید ابدالیها مجبور به فرار شدند. غلجایی ها با تجدید قواء، دو باره به حمله علیه ابدالیها اقدام نمودند که کاملاً شکست خوردند. تنها سه هزار نفر در میدان جنگ باقی ماند که همه توسط ابدالیها کشته شده از سر آنها کله مناری در کابل بنامودند (الفنستون، صفحه ۵۲۰). باردیگر غلجاییها باده هزارعسکرحمله ور شدند که باز هم شکست خوردند. متعاقباً جبارخیل، بابکرخیل واحمدزبهادر ۱۸۰۲ به کابل حمله نمودند که توسط وزیر فتح خان شکست خوردند.

تلاشهای وزیر فتح خان و برادرانش نه تنها باعث تقویت پایه های دولت سدوزایی بلکه سبب تحکیم موقعیت خودش که متعلق به قوم محمدزایی بود نیز گردیده بود. ۲۱۱ برادرش رادرمناصب مهم و درمناطق مختلف توظیف نموده برادرش دوست محمدخان را فرمانده گارد خاص مقرر کرد. کامران فرزند محمود که از رشد روز افزون فتح خان و برادرانش در هراس بود، به بهانه بی حرمتی به خانواده شاهی، فتح خان را زندانی، کور و بعداً قطعه قطعه نمود.

سرانجام بعد از یک رشته تحولات و جابجاییها قدرت، برادران وزیر فتح خان به انتقام مرگ وی حاکمیت سدوزاییهاراساقت نمودند، و بدین ترتیب محمدزایی ها رویکار آمده، دوست محمدبه سلطنت رسید. سلسله حکمرانی محمدزایی ها نیز بر روال دشمنی های گذشته دو قبیله ادامه پیدا نمود، چنانچه عبدالرحمان خان شورشها و قیام مردم شینوارزباشدت سرکوب نمود، مذکور بطور عمدی معاهده دیپورند را جهت خلاصی از آشوب ها و قیامهای قبایل غلجایی صوبه سرحد با انگلیس امضاء نمود. وی در خاطراتش مینگارد: (هرچند کوشیدیم این اقوام... افریدی، وزیری، مسعود و شینواری اصلاح نشدند، از همین سبب من هم به انگلیس بخشیدم شان).

با آنکه اکثر تحلیلگران و مؤرخین، علت سقوط دولت و ناکامی اصلاحات امان الله خان را، در قیام امیرحبیب الله خان کلکانی خلاصه مینمایند اما نباید فراموش نمود که اولین جرعه های مخالف علیه وی، در مناطق جنوب و جنوبشرقی، که زادگاه و خاستگاه قبایل غلجایی است مشتعل گردید که توسط نادر خان بشدت سرکوب شد. جنگهایی خونین اقوام جاجی و منگل در دوره حکومت ظاهرشاه، کشتار سلیمانخیلی ها در دوران حکومت امان الله خان و کشتار توخی ها توسط عبدالرحمن خان از مثال های زنده تاریخ است. همچنان سرکوب و وحشیانه قوم صافی توسط حکومت ظاهرخان اثبات دیگرست بر این ادعا. / (دنباله در شماره بعد)

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.**

# Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 30, Issue No. 1091, FEBRUARY 21, 2022, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan  
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

## خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسۀ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون ۶۳۲۱ ۴۹۱ ۷۰۳  
mkqawi471@gmail.com  
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge  
VA 22192—7075 U. S. A.

### دشت ما گرگ اگر داشت ...

در پهلوی آن کوشیدند زبان با عظمت و کهنسال فارسی دری رانادیده گرفته و افتخاراتی چون ابن سینای بلخی، مولانای بلخ، رابعه بلخی، حکیم سنایی، مولینا جامی و صد هاجر دیگر راکه سالهاست فارسی زبانان جهان از روشنایی آن درس و آموزش می گیرند، خاموش سازند، غافل از اینکه آفتاب رانمی توان با دوانگشت پنهان کرد، فعالیت ها کردند .

امروز صدای مولانای بلخ از بزرگترین دانشگاههای جهان بلنداست ، امروز فرمول های ابن سینای بلخی در بزرگترین طبابت خانه های جهان تطبیق می شود، امروز دختران افغان با خواندن اشعار رابعه بلخی به خود می بالند .

با کمال تأسف که این ذخایر گرانبها پایمال تبعیض پرستی هاشد، و حاکمان تبعیض پرست ما غافل از اینکه بدانند دانش سرحد ندارد و دانشمند متعلق به زادگاهش نیست، تلاش بیهوده کردند .

من هر وقت دیوان حافظ را بدست می گیرم، کلیات سعدی، کیمیای سعادت یا اشعار بیدل رامی خوانم، هر گز کلمه شیرازی و طوسی یا هندی در خاطر م مجسم نمی گردد.

با این سهل انگاری ها بالاخره کشور از هم پاشید و راه به روی کسانی باز شد که در مدارس کشور همسایه ما پاکستان شهادتنامه جهالت، کهنه پرستی، توهین به کرامت انسان، توهین به تحصیل، توهین به زن را بدست آورده بودند، و برای پیاپی ساختن این مرام های شوم در کشور ما حاکم شدند، زنان را در خانه محبوس، دروازه های علم را مسدود، صدای مطبوعات را خاموش، و هر روز روشنفکران را به جرم حرام بودن این یا آن مطلب، و به نام های گوناگون، مخفیانه به قتل می رسانند . /

### از کنگینه تصوف

خلق به ظاهر سخن ایشان نظری کنند و میگویند: «ما از این بسیار شنیدیم توی بر تو. اندرون ما از این جنس سخن ها پُراست.» کافران میگفتند: «که دلای ما غلاف این جنس سخن هاست و از این پُریم.» حق تعالی جواب ایشان می فرماید: «حاشا که از این پُر باشند. پر از سوساند و خیالند و پُر شرک و شک اند. بل پُر از لعنتند.» کاشکی تهی بودند از آن هذیانات. باری قابل بودندی که از این پذیرفتندی. قابل نیز نیستند که حق تعالی مهر کرده است بر گوش ایشان و بر چشم ایشان و دل ایشان. «تا چشم لون دیگر ببیند. یوسف را اگر ببیند و گوش لون دیگر بشنود، حکمت را زاو هذیان شمرد و دل را لونی دیگر که محل سواس و خیال گشته است و همچون زمستان از تشگل و خیال، توی بر توی افتاده است. از یخ و سردی، جمع گشته است. ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه . چه جای اینست که ازین پُرباشند بویی نیز نیافته اند و نشنیده اند در همه عمر. نه ایشان ونه آنها که به ایشان تباخر می آورند ونه تبارک ایشان .

کوزه است که آنرا حق تعالی بر بعضی پُر آب می نماید و از آنجا سیراب می شوند و میخورند و بر لب بعضی تهی می نماید این کوزه چون حق تعالی آدم را گل و آب ساخت که خمر طینه آدم اربعین یوما، قالب او را تمام بساخت و چندین مدت بر زمین مانده بود. ابلیس فرود آمد و در قالب او رفت و در رگ های او جمله گردید و تماشا کرد و آن رگ و پی پر خون و اخلاط را دید، گفت: «آوه عجب نیست که ابلیس که من در ساق عرش دیده بودم که خواهد پیدا شدن، اگر این نباشد. آن ابلیس هست این باشد.»

والسلام علیکم و برخواست. ختم مجلس. (مجله صوفی، شماره ۵۹) /

### فرار مغزهای دانشمند

لیندزی گراهام سناتور جمهوریخواه ۱۱.۲۱.۱۲ آمریکا گفت «دوستی دیرینه ام را با جو بایدن پایان بخشیدم و هرگز او را به دلیل نحوه خروج از افغانستان نخواهم بخشید زیرا پس از خروج ایالات متحده از افغانستان دستان او خونین است.»

بلی! این ها اند که برای ما رهبر می تراشند! بلی این ها بودند که توسط سه قوم پرست زلمی خلیل زاد و حامد کوزی و اشرف غنی احمدزی که با هم هم چشمی داشتند از ملت ما قربانی گرفتند. /

### شرعی درباره سه مرد بزرگ فرهنگ و هنر

#### خاموشی یکی از بزرگان دانش کشور

داکتر محمد حسین یمین، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل شب ۱۲ دلو در کابل به رحمت حق پیوست. راحله حمیدزی، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه کابل به روزنامه اطلاعات روز گفت قرار است پیکر استاد یمین امروز در شهر کابل تشییع و در زادگاهش در شهر چاریکار به خاک سپرده شود.

محمد حسین یمین متولد ۱۳۱۵ خورشیدی تاسطح دکتری تحصیلات داشت. جناب شان چند دهه به عنوان استاد در دانشگاه کابل تدریس کرده و از او ده ها اثر شامل کتاب و مقاله درباره ی زبان و ادبیات فارسی به جامانده است.

همکاران جریده امید، وفات دانشمند زبان فارسی دری شادروان داکتر یمین را ضایعه بزرگ فرهنگی برای کشور شمرده، از بارگاه خداوند مهربان جنت نعیم راجاگاه ابدی استاد یمین تمنا نموده و به تمام فرهنگیان وطن صمیمانه تسلیت می گویند. اداره /

#### جناب قوماندان نوری وفات کرد

بزرگمرد، شخصیت براننده مرحوم مغفور زنده یاد الحاج قوماندان امنیه، نورالدین خان نوری به رحمت حق پیوست. در این ماه فروری چنین مرد والا وبلا مرحوم نوری قهرمان شش ساله ورزش دوش افغانستان، الگویی از نجابت و یکی از پولیسان ممتاز صادق و حاذق کشور مرد صاحب قلم و اندیشه که مقالات زیاد شان چه در نشریه پولیس و تولنی خدمتگار و جراید دیگر وطن و هم در نشریه های هفته نامه امید، ماهنامه کاروان، اتحاد آزادگان، دو هفته نامه زرنکار، کیوان، د ملت ژغ - آینه افغانستان و دهها نشریه دیگر نوشته های شان چاپ شده است.

اوشان بعد از فراغت از لیسه حبیبیه شامل اکادمی پولیس شدند و بعد از فراغت از اکادمی و گرفتن تخصص در جرم شناسی و حقوق جزا و اخذ ارکان حربی، در مربوطات وزارت امور داخله در پستهای حساس و مهم امنیتی و قوماندان امنیه در بسا ولایات کشور و تدریس در کورسهای عالی افسران و پولیسان به صورت مسلکی نیز مصروف بودند. این خدمتگاری صادق و وطن در هر نقطه کشور که وظایف محوله را انجام دادند با منتهای امانت داری اخلاص و ایثار و صمیمیت و وفا داری به وطن و وطندار انجام دادند .

این مرد نهایت مهربان متدین و اولاد اهل و صالح به جامعه تقدیم نموده اند و در همه امور کاری شان منحیث یک خادم مخلص و صادق وطن در همه ابعاد زندگی شان موفق و سربلند و ممتاز بودند . مشتاق احمد کریم نوری فرزند بزرگ شان

همکاران جریده امید وفات جناب مرحوم قوماندان نوری، همکاران راجنده قلمی خویش را ضایعه بزرگ شمرده، روان شان را در ذیل مراسم خداوند کریم (ج) شاد خواسته و به تمام بازماندگان به ویژه همکاران محترم قلمی مشتاق احمد کریم نوری از تنه قلب تسلیت می گوئیم و به همه شان اجر فراوان آرزو می کنیم . /

### ضایعه بزرگ هنری

استاد سلام لوگری آواز خوان سابقه دار کشور که در موسیقی محلی شهرت خاصی داشت به عمر ۸۶ سالگی به رحمت حق پیوست. استاد سلام لوگری از آوازخوانان مطرح کشور بود که زمانی با آهنگهای دوگانه با هنرمند محبوب وطن استاد بیلتون مرحوم شهرت زیاد کمایی نموده بودند. او را در زادگاهش ولسوالی محمد آغه لوگر بخاک سپردند. روحش شاد و یادش گرامی باد .

همکاران جریده امید وفات جناب استاد سلام لوگری را یک ضایعه بزرگ فرهنگی - هنری شمرده، روان شان را در پناه حضرت حق تعالی شاد می خواهند .

### به دوام خلاف رفتاری های طالبان ...

وسعت دهند. مامون به جهان هوشدار داده است که با یک توطئه ای دروغین و بهانه جویی عراق را امریکا تباہ کرده است و اکنون که آزمایش هایی در زیر زمین دانشگاه امریکایی که در سال ۲۰۰۶ تا ۸۰۰ شاگرد و بودجه ۲۸ میلیون آغاز کرده مطالعه مواد کیمیاوی غیر قانونی تحقیق و آزمایش میشود، امریکایی ها چرا خموش اند؟ /

### چیست یاران طریقت ...

کامل سیاسی و اقتصادی بر افغانستان و راه یابی مستقیم و مستقل به بازارهای آسیایی دارد. از تسلط برق آسیای طالبان چنین استنباط شده میتواند که امریکا بالاخره سرپرستی وطن بی صاحب مارا به پاکستان واگذار شده باشد، که این موضوع راهم این نویسنده در صفحه ۳۶۸ «افغانستان در قرن بیست، موانع تاریخ در راه استقرار دولت قانون» چاپ کابل ۱۳۹۷ خاطر نشان کرده بودم .

ایران در سوریه و یمن با امریکا و دولت یهود و عربستان در تقابل قرار دارد، و روابط اقتصادی مهم هم با چین و هم با روسیه دارد و درقبال کشورما خواهان امتیازات بیشتر بر سر آبهای ماست و همچو بعضی از همسایه های دیگر ما آرزو مند یک افغانستان منسجم و قوی نیست.

در حال حاضر امریکا افغانستان را تخلیه کرده اما به هیچوجه منطقه را ترک نگفته است. امریکا در رقابت فعلی شاید یک نبرد راباخته باشد نه جنگ را. منطقه ما در غرب جمهوری چین و جزیره تایوان در شرق آن، جبهات مقدم این مقابله سوم اند.

وطنداران منور شمایتر میدانید که اینهمه کارنامه های تاریخی که در بالا ذکر گردیدند، محصول شجاعت فزیکتی مردم ماعلیه دشمنان خارجی بود، اما از نوع دیگر آن که دفاع از حقوق شهروندی درقبال بی عدالتهای قدرتهای مرکزی داخلی میباشد، تاریخ ماچندان غنی نیست. مثلا نهضتهای مردمی و ملی، علیه اجیران داخلی که در ایران یا عراق دیده میشوند، در تاریخ مبارزات سیاسی کشور ما دیده نمیشود.

در افغانستان قیامها علیه رژیم های خود کامه عمدتاً قومی یا سمتی بوده اند که این کمبود را باید در عملکرد زمامداران مادرین صد و چهل سال اخیر جستجو کرد. سردمداران ما، البته نه همه، در پی تحقق مرامهای شخصی، خانوادگی یا حزبی شان بودند .

خلاصه که دستاوردهای مدنی تنها با تحصیل استقلال سیاسی از استعمار بدست آمده نمیتواند، کسب آزادیهای فردی و دموکراسی در یک کشور مستلزم شجاعت معنوی و آگاهی های مدنی به قوام رسیده مردم و خصوصاً قشر منور یک کشور درقبال قدرتهای خود کامه میباشد. آزادی و دموکراسی «خدای په جهت» داده نمی شود.

انصافاً درین بیست سال اخیر به طفیل حضور امریکادر افغانستان آنچه به پیدایش کمی و کیفی قشر منور تعلق دارد، بر علاوه دستاوردهای قابل تذکر دیگر، تغییر مشاهده میشود. اما این دستاوردها بنا بر کمبود وقت در فرهنگ مردم جاگزین نشده است، فلهدا هیچ تضمینی نیست که دستاوردهای داده شده پابرجا بماند! فعلا این نعمت و موهبت بزرگ در خطر است و جهت دفاع از آن باید جامعه طور کل بسیج گردد و بسیج نمودن توده هاتنها با روشن ساختن شعور سیاسی مردم و تئور دهن عوام ممکن است. تحقیق این مرام و وظیفه تاریخی قشر منور ما است که تنها با کار دستجمعی ممکن شده میتواند. سازمانهای جداگانه، بالقاب و عناوین مختلف نمی تواند موثر ثابت شوند .

باز هم تکرار میگردد که درین اوقات تعیین کننده نسل منور و جوان کشور ما هم در خارج و هم در داخل مجبوری تاریخی و وجدانی دارد تا در یک اتحاد سرتاسری نه قومی و سمتی، گردهم جمع شوند، صرف نظر از وابستگی های عنعنوی و حزبی و درقبال خطراتی که موجودیت افغانستان را تعیین مینمایند دست بهم داده و مردم راهم در مبارزات مدنی و ملی رهنمایی کند.

به قول شاعر:

چشم امید به تونسلس جوان دوخته ام

در خورشان و شرف مملکت آباد کنید

دست مادامن تان باد جوانان غیور

که ازین ذلت و خواری همه آزاد کنید

سوخت ای همنفسان آتش استبداد ام

شرح این سوخته را بر همه انشاد کنید

از مرحوم کریم نژیی (جلوه)

جور باشی وطندار ! /